



علی سلیمانی

اولین وظیفه هر عضو یاقتن مشکلات و دلایل آن در شهر است. این مکاشفه نیز با خواندن مطالب در فضای مجازی و نقل و گفت با دوستان و آشنایان حاصل نمی گردد

صحن نشینان و شهرگردان شورا

همواره رسم بر این بوده که تعدادی از اعضای شورا در پنجگانه دوره گذشته گستره شهر را با فضای زیر سقف صحن آن معاوضه کرده اند. بدان معنا که می پندارند، کار شهر در صحن و کمیسیون های شورای شهر به انجام خواهد رسید.

این پنداشت یکی از بزرگترین مشکلات شورای نشینان تهران در این پنج دوره بوده است. از وقتی که مسائل شهری ده میلیونی به بررسی در صحنی بیست و سی نفری تقلیل یافته، مشکلات شهر نیز به طور تازیدی در حال رخت به تمامی سلول های شهر گذشت. در تمام این ادوار بودند کسانی که همراه با شهر در حال گشتن و سرکشی در محلات و مناطق بوده و بار اعضای صحن نشینان را به دوش کشیده اند، در حالیکه برخی از دیگر اعضاء بیشتر ترجیح داده اند بر صندلی های صحن سبز تکیه زده و در همان حال منجی مردم نیز باشند.

صحن نشینان شهر متصورند که با دستیابی بر علوم دانشگاهی و آزمایشگاهی و مدارج پلکانی می توانند بر غول های سر به فلک کشیده شهر غلبه کنند، حال آنکه غول هایی که در این سال ها بر شهر چیره شده اند تا مغلوب نموند بیست و سی نفری از دانشگاهیان صحن نشینان نیز مسیر دشواری ندارند.

اگر این مشکلات چهار دوره از شوراییان را مغلوب خویش ساخته اند، چندان دور از ذهن نخواهد بود که بیست و یک نفر کنونی را نیز در کلاف سرد گرم خود بچاندند و در خود محو کنند. این شهر جایی نیست که بتوان معضلاتش را در صحن و کمیسیون های تو در تویش به چالش کشید.

داستان صحن نشینان، داستان طبابت از راه دور است. گویی که طبیبی حاذق بخواهد بیمارانش را از راه دور جراحی و در مان کند البته بدون آنکه در بیمارانش را نیز اعضاء کرده باشد.

این داستانک شاید به مذاق اعضای صحن نشین نیز چندان خوش نیاید، اما واقعیتی از تلخکامی های این شهر است. این واقعیت تلخ نشان از عدم آشنایی به مسئولیت ها و وظایف یک صحن نشینان شورا دارد. وظایف مسئولیت هایی که به گستره محلات و خیابان های یک شهر به مردم تحمیل شده است و مردم نیز به امید حل آنها منتخبتین خود را به شورایی سپارند.

اولین وظیفه هر عضو یاقتن مشکلات و دلایل آن در شهر است. این مکاشفه نیز با خواندن مطالب در فضای مجازی و نقل و گفت با دوستان و آشنایان حاصل نمی گردد، بلکه همتی به مثابه پیشینیان شهر گرد و موثر شهر می خواهد. هیچ عضوی از شورا جز با حضور فیزیکی در محل و مدیریت اجتماعی در مناطق و محلات نخواهد توانست به دستاوردی قابل توجه برسد.

این نکته ای است که صحن نشینان ادوار شورا با آن میانه خوبی نداشته اند.

مصادیق بسیاری در مورد حل و فصل مشکلات شهری در ورود میدانی اعضای شورا وجود دارد که بیسان آنها به تفصیل خواهد آنجا آمد، اما آنچه مبرهن و آشکار است آنکه اکثر توفیق های ادوار مختلف شورا معمولاً با حضور میدانی در محل تعیین تکلیف و به موفقیت رسیده است.

بیست و سومین جلسه شورا (۳۰ آبانماه) راسی توان یک جلسه معمولی و در امتداد رویه قبلی شورا ارزیابی کرد. در ادامه، جزئیات جلسه به صورت تفکیکی می آید.

الف. نطق پیش از دستور، (۵ دقیقه)

نطق پیش از دستور به عنوان بخشی از جلسه شورا، یک فرصت و امکان «نظارتی» در اختیار هر عضو شورا است. در جلسه امروز نطق خانم «آروین» با محوریت «شفافیت در شورای شهر تهران» ارائه شد. گرچه مجموعه اقدامات سه گانه شورای پنجم (علنی کردن همه جلسات، اعلان اسامی موافقین و مخالفین در زمان رای گیری و بخش مستقیم جلسات) در نوع خود جدید، بی نظیر و قابل توجه است، اما نطق وی عمدتاً اشاره به همین موارد قبلاً بارها به آنها

مستولیت های نوشته شده شورای شهر در صحن و کمیسیون های گیری شده و مسئولیت های ناپوشته شورا که بیشتر محصول ارتباط با بدنه اجتماعی است میوه خود را در شهر به مردم تقدیم می کند. این همین جاست که شورای شهر را نهادی اجتماعی و نه نهادی سیاسی یا اجرایی دانسته اند.

این نکته ای است که صحن نشینان شورا را وارونه یافته و همین موجودی شهر را به صحن تقلیل داده اند. گرچه این تقلیل دلایل بسیاری در خود نهفته دارد که عدم نشان از حوزه مسئولیت ها و وظایف، عدم توانایی در مدیریت اجتماعی و عدم اعتماد به نفس از بزرگترین دلایل آن است.

اما نطق وی عمدتاً اشاره به همین موارد قبلاً بارها به آنها

جزیی حاصلی دارد؟

عابدین سالاری اسکر، سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» مطرح کرد:

افزایش تذکرات شیک و رسانه ای

جلسات آرام و معمولی شورا تردید در خصوص اثر گذاری تذکرات «سیاسی» شورا چالش تذکرات بی محتوای شورا

«صنعت جلسه» کار ویژه اعضای شورای پنجم بازی در زمین رسانه ها یا پیگیری مطالبات واقعی شهر فراموشی توده ها در پالمان محلی

وقتی اعضا از اتمسفر انتخابات بیرون نمی آیند! افکار عمومی عامل تعجیل در تصویب دو فوریت کمک به زلزله زدگان غرب!

طرحی که متفاوت با نیت طراحان تصویب شد ادامه سریال انتخاب نمایندگان منتخب شورا وقتی اعضا به افراد غریبه اعتماد بیشتری دارند

راستی آزمایی پرونده «باغات» قبل از طرح شورا فقط ۳۰ دقیقه مفید در جلسه ۲۳ ام

معرفی چهره های «موثر» جلسه ۲۳ ام



فراهانی



زاده رام



سالاری



حق شناس



مسجد جامعی



خلیل آبادی

مبتنی بر نقد گذشته است، سیر می کنند. برخی از آنها، مطالبات بخش های سیاسی جامعه را نمایندگی می کنند، بخشی از آنها نیز مطالبات لایه های متوسط فرهنگی (نه الزاماً متوسط اقتصادی و اجتماعی) شهر تهران را عمدتاً پیگیری می کنند. این در حالی است که اکثریت قابل توجهی از جمعیت مردم در محلات تشکیلاتی می دهند که انتظار تأثیرات ملموس در زست شهری خود دارند. فهم و درک نیازهای این بخش، مستلزم حضور در میان توده مردم و محلات است. به جز چهار، پنج عضو شورا، بقیه در این محیط حضور و بروز چندانی ندارند. این فاصله عمده ترین چالش شورای پنجم است و همین مسأله ریشه اصلی جهت گیری های خاص «تذکرات» اعضا.

به ستمی می برد که اعضاء تلاش میکنند بیشتر با افکار عمومی سخن بگویند (به اصطلاح برای رسانه ها سخن می گویند). در نتیجه، ملاحظات فنی، حرفه ای و تکنیکی در موارد زیادی جای خود را به «اثرات رسانه ای پیام» می دهد. این چرخه خاص «دریافت اطلاعات» و «بازی در زمین رسانه ها» باعث می شود که به نوعی از واقعیت ها و مطالبات واقعی جامعه فاصله بگیرند. این فرایند، اثرات خود را در «محتوای تذکرات» و «طرح های فوریت داری» که در شورایانشان می دهد، مناسبت توسط اعضا مطرح می شود، در شورایانشان می دهد. مناسبت این مدل تذکرات را تذکرات «سیاسی و رسانه ای» گذاشته ام. اعضای شورا عمدتاً چهره های سیاسی هستند که به اساساً اقبال گسترده اجتماعی به یک لیست انتخاباتی وارد شورا شده اند. برخی از آنها هنوز در فضای انتخاباتی که

اتمسفر شهرداری و مدیریت شهری را ندارند. از طرفی در ۱۴ سال گذشته جریان سیاسی رقیب در تهران حاکم بوده، در نتیجه، نیروی انسانی و اطلاعات درون شهرداری در اختیار این مجموعه نیست. از سوی دیگر، هر عضو شورا در دهها کمیته، کمیسیون، جلسه و... در طول روز درگیر مشغول است، به نحوی که اشتغال تمام عیار در «صنعت و جلسات» کار ویژه اصلی آنها محسوب می شود. این سه واقعیت مذکور، بدین معناست که اعضا شورا که هنوز در ابتدای فعالیت و کسب تجربه هستند، در زمینه ای «ساختار حاکم بر محیط شهرداری» طراحی کرده، ابغای نقش می کنند. به عبارات دیگر، در کنار دریافت اطلاعات کانالیزه شده در جلسات متعدد، «علنی بودن و حضور رسانه های سراسری، اجتماعی و محلی» عملاً فضا را

موزه «فرش» توسط شرکت مترو، فراخوان آقای «مسجد جامعی» کتابگردی روز پنجشنبه، تذکر آقای «حق شناس» (کم توجهی شهرداری به کتابخانه های شهر تهران و عدم تخصیص منابع برای خرید کتاب در ۶ سال گذشته)، تذکر آقای «سالاری» (تخلیفات گسترده در برخی دفاتر خدمات الکترونیک شهر) و تذکر خانم «پیرام» (هشدار به وجود دکل های فشار قوی برق در منطقه ۱۶) در این چارچوب قابل ارزیابی است. به نظری می رسد یک چالش اساسی و ساختاری در براره «محتوی تذکرات اعضای شورا» وجود دارد. «تذکر دادن» نیازمند دریافت و کسب اطلاعات و داشتن دانش در محیط عمل شهرداری توسط عضو می باشد. از میان ۲۱ عضو شورای پنجم به جزء تعداد معدودی، بقیه اعضا اساساً تجربه کار در محیط و

اشاره شده بود) و البته همراه با یک پیشنهاد خاص و شعاری، درخواست پیروی مجلس شورای اسلامی از شورای شهر تهران در امر شفافیت و علنی کردن همه جلسات بود. در خصوص میزان تأثیر گذاری تذکرات «سیاسی» در صحن شورا (با توجه به کار کردها و اختیارات شورای شهر) شک و تردید های جدی وجود دارد.

تذکرات (۲۲ دقیقه) «تذکر» به عنوان ابزار نظارتی شورا، چنانچه در چهار چوب «اختیارات قانونی»، «ناظر بر طرح مسئله و مشکلی در شهرداری» است، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مبارزه با دوا و رانت پاشی، تذکر «موثر» مفید» ارزیابی می شود. تذکر آقای «خلیل آبادی» (معضلات موجود آمده برای

دبیر شورایاران منطقه ۱۵ در گفت و گو با «پدیدار شهر»:



۱۰ چالش اصلی منطقه ۱۵ تهران

از لزوم باسازی «بافت فرسوده» تا «مشکلات ترافیکی» و «فقر» و «اعتیاد»



قرعه این شماره از هفته نامه «پدیدار شهر» مطابق با رویه هر هفته که به یکی از مناطق شهر تهران و محلات محروم آن اختصاص داشته، اینبار به منطقه ۱۵ رسید.

فرصت ها و مشکلات محلات جنوب شرق تهران هر کدام حکایت خودشان را داشتند و محله نلسینان این منطقه نیز یک صدا از عدم تزریق و سهم دهی امکانات و خدمات شهری در محل زندگی خود اعتراضاتی داشتند...

تک تک محلات از وجود برخی آسیب های اجتماعی خجالت زده بوده و مشکلات شهری نیز بافت مسکونی محلات را دستخوش معضلاتی کرده است.

منطقه ۱۵ فرصت و استعدادهای زیادی برای پیشرفت دارد که با تکمیل برخی پروژه های ترافیکی، می تواند برخی از مشکلات را مرتفع سازد.

در ارتباط با کلیات منطقه گفت و گویی با «اکبر پهمانی» دبیر شورایاران منطقه ۱۵ انجام دادیم که به محور های آن به صورت موردی در ادامه اشاره شده است.

با وجود تلاش های زیادی که از سوی شهرداری منطقه ۱۵ در دوره مدیریت شهری سابق انجام شده، طبیعی است که برخی پروژه و طرح های کاری بدون نتیجه مانده به توفاقت مردم را بر آورده نسازد...

چنانچه حالانیز با تغییر مدیریت شهری و شورای شهر تهران و عوض شد دیدگاه های ممکن است تمام معضلات و مشکلات روی زمین مانده حل نشده باقی بماند در نتیجه بخشی از مشکلات فعلی، دوره گذشته و آتی قطعاً بدون نتیجه بماند که امیدوار هستیم با تسریع در امر خدمت رسانی، بسیاری از مشکلات بر طرف شود.

امروز در منطقه ۱۵، در حوزه عمرانی ترافیکی و در حوزه پروژه های نیمه تمام، ضرورت های زیادی وجود دارد که برخی از آنها تا ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و برخی نیز پیشرفت کمتری داشته اند. اتوبان «بستارمقدم» و «شوشتری» با پیشرفت ۸۰ درصدی به توجه بیشتری نیاز داشته و با بهره برداری کامل از آن نه تنها رفت و آمد مردم منطقه، بلکه تردد مردم شهر تهران را هم ساده تر خواهد کرد.

«بل بسنج» که در ابتدای ورودی شرق تهران قرار دارد و به عنوان دروازه اصلی شرق تهران محسوب

می شود محلی برای انتخاب مسیر جهت دسترسی به غرب، شمال و جنوب تهران پیش بینی شده است که با حل شدن و رفع برخی اشکالات عرضی معبر در رمپ و لوپ ها و دیگر مشکلات آن و اندیشیدن تدابیری برای افزایش خودرها و حجم سفرهای شهری، می تواند امکانی برای دسترسی از شرق، «آزادراه امام رضا» به غرب «آزادگان» و فراهم ساخته و بسیاری از مشکلات را مرتفع سازد.

با توجه به مشکلات ترافیکی اتوبان بسنج، مسیر تعریض این اتوبان (جنوب به شمال) با تملک و خریداری کامل تک پلاک های باقی مانده آزاد شده و با توجه به عقب نشینی یادگان بسنج، می تواند اتفاق خوبی با تعریض شرق اتوبان رخ دهد که تردد ساده و راحت شهروندان از بهترین نتایج است.

از آنجایی که انتهای خیابان «خاوران» (شرق به غرب) متصل است و یک خیابان با عرض ۲۵ متر را بدون استفاده کرده است و برای دسترسی به خیابان «خاوران»، (غرب به شرق) از گذرهای فرعی و دسترسی های محلی استفاده می شود این موضوع مشکلاتی را برای مردم ساکن در محله نبرد ایجاد کرده است که با احداث بل غیر همسطح و یا بل زیر زلر گذر امکان ادامه مسیر به خیابان «خاوران» (شرق به غرب) و می توان اتصال خیابان «نبرد» به خیابان «خاوران» (شرق به غرب)

را نیز پیش بینی کرده و از خیابان «نبرد جنوبی» نیز می توان بل غیر همسطح یا زیر گذری به خیابان «خاوران» (غرب به شرق) را احداث کرد.

اصلاح هندسی انتهای خیابان «نبرد جنوبی» نیز این امکان را فراهم می کند تا خودروهای عبوری از خیابان های فرعی و دسترسی محلی نیز استفاده کرده و به راحتی بتوانند از خیابان «نبرد جنوبی» به سمت خیابان «خاوران» تردد کنند.

منطقه نیز در حال رشد است. میزان در آمد و شرایط زندگی افسارگی که در منطقه ۱۵ زندگی می کنند از متوسط به پایین بوده؛ سطح درآمد مردم در برخی از محلات نیز متوسط، برخی زیر خط فقر و حتی برخی در سطح عین خط فقر زندگی می کنند که میزان آسیب پذیری خانواده ها بالا برده است.

اگر مسایل فرهنگی و اجتماعی در محلات نادیده گرفته شود، می تواند آینده منطقه را تحت تأثیر قرار داده و معضلات را بیش از پیش ریشه ای سازد. توجه به اوقات فراغت تمام اقشار، یکی از ضرورت های است که باید مدنظر قرار گیرد و محلات منطقه ۱۵ نیز در این زمینه به توجه بیشتری نیاز دارند؛ باید بدون نگاه سیاسی و مطابق با واقعیت های فعلی، توجه کرد که در حال حاضر در برخی از محلات حدود ۵۰ زمین چمن مصنوعی وجود دارد و در بسیاری از محلات نیز یک استخر و سونا احداث شده است.

تعدادی از استخر ها نیز با داشتن ۹۰ درصد از پیشرفت فیزیکی، در حال بهره برداری هستند و به زودی برای شهروندان افتتاح خواهند شد. وجود یک استخر و سونا در محلات محروم اتفاق خوبی است که می تواند بسیار موثر واقع شود. با این حال همچنان باید در این راستا اقدام کرد و برای توسعه فضاهای ورزشی برنامه های جدیدی ارائه داد. اما لازم به تذکر است که همیشه

در توزیع، بهره برداری و نگاه داری این فضاها ضعف هایی وجود دارد و امکان استفاده بهینه از آنها نیز از بین می رود.

معضل بافت فرسوده منطقه ۱۵ از جمله مهم ترین معضلات قدیمی است. اقدامات صورت گرفته در شهرداری در راستای نوسازی بافت های فرسوده نیاز به بررسی و آسیب شناسی بیشتری دارد، اما واقعیت این است که شهرداری در کار نوسازی تنها ماند و از همراهی دستگاه های دیگر محروم بود.

گرچه مطابق با مصوبات باید سالانه ۱۰ درصد از مشکلات این بافت ها مرتفع می شد و تا امروز آمار آن ها به کمترین حد خود می رسید اما شهرداری ی بکه و تنها در این راستا اقدام کرده و لقمه بزرگی برداشته و از همراهی دیگر دستگاه ها نیز بر خوردار نشد.

شهرداری تهران ابتدا به ساکن نیازمند همراهی بود و تصور می کرد که در این زمینه حمایت می شود، اما ورود تک بعدی شهرداری به این معضل نه تنها مشکلات را بر طرف نکرد، بلکه نیمه تمام ماندن اقدامات، معضلات را در این زمینه چند برابر کرد. شورای یاران نیز با پیگیری هایی که در این حوزه انجام دادند و با توجه به اینکه معضلات را به صورت جدی انعکاس داده اند، بهترین مشاوران در این حوزه بوده و معضلات را به صورت جدی پیگیری می کنند و تک تک معضلات می تواند بسیار راهگشا باشد.

از مدبریت جدید شهر تهران و اعضای شورای شهر توقع می رود که بدون حاشیه خدمت رسانی کنند. در واقع امتیاز دادن به فعالیت مدبریت شهری کمی زود بوده و نیازمند گذشت زمان است تا میزان تحقق به وعده ها و شعارها برسد. بررسی شود اما می توان به جرات گفت که در داختن به کاستی های دوره گذشته مدبریت شهری نیز زمان خاص خود را می طلبد و لازم است قبل از هر چیزی در راه خدمت رسانی به مردم و رفع مشکلات فعلی اقدام برداشته و بعد در مورد کاستی های گذشته اظهار نظر شود. به طور حتم برداختن به نواقص گذشته اگر در زمان مناسب صورت گیرد تأثیر بیشتری داشته و مردم هم در قضاوت های خود به نیت و هدف خدمت گذاری مسئولان واقف خواهند شد.

حتم بر این است که در این راستا اقدام کرد و برای توسعه فضاهای ورزشی برنامه های جدیدی ارائه داد. اما لازم به تذکر است که همیشه

افزایش تذکرات شیک و رسانه ای

ج طرح دو فوریتی «الزام شهرداری تهران به حمایت از زلزله زدگان غرب کشور» (۵۴۵ دقیقه) زلزله «کرمانشاه» به حق و به درستی مساله همه ایرانیان شده است. شهرداری تهران نیز در همان ساعات اولیه کمک هایی را به محل زلزله ارسال کرد. در جلسه امروز طرح «دو فوریتی» برای الزام شهرداری در این باره به صحن شورا آمد. شتاب زندگی در نحوه نوشتن طرح باعث شد، علیرغم رای آوردن دو فوریت آن، متن «شاه واحد» که نهایتاً رای آورد، کاملاً متفاوت از هدف و نیت طراحان بود. بر اساس طرح اولیه، بنا بود که شهرداری تا سقف ۱۰ میلیارد تومان تحت نظر استانداری کرمانشاه هزینه نماید، اما در رای گیری نهایی مقرر شد شهرداری تا یکشنبه لایحه ای را برای شورای شهر ارسال کند. در صورت تصویب این لایحه، رئیس جلسه به این مضمون «اگر تصویب نکنیم در مقابل افکار عمومی قرار میگیریم» ششان میدهد که نگاه حرفه ای و دقیق به مساله وجود ندارد. (همان بازی در زمین رسانه ها به جای تصمیم گیری بر اساس معیار های حرفه ای). بنابراین این بخش از جلسه، صرف نظر از وجه احساسی آن قابلیت ارزیابی نداشت.

دسار موارد: (۴۰ دقیقه)

۱- بیست دقیقه از زمان جلسه به موضوع «انتخاب نمایندگان منتخب شورا» جهت عضویت در جماعت و کمیسیون های شهرداری اختصاص یافت. این انتخاب ها به مانند انتخاب های قبلی بدون ارائه گزارش در خصوص «عملکرد و ضرورت وجود این کمیسیون ها»، «داشتن تجربه و تخصص مرتبط عضو منتخب با کمیسیون مربوطه» و «مدت کار اساس معرفی کمیسیون های تخصصی شورا و لایحه صورت گرفت. نکته عجیب و شگفت آور این جلسه: رای یک عضو شورای شهر کمتر از رای یک «کارشناس ناشناخته معرفی شده برای یک کمیسیون» در رای گیری امروز بود (شورای همکار خود کمتر از یک فرد ناشناخته اعتماد داشت)

۲- حدود ۲۰ دقیقه از زمان جلسه به بررسی پرونده یک پلاک ثبتی مربوط به کمیسیون ماده ۷ (کمیسیون تشخیص باغ) اختصاص یافت. پرونده ای که در آن برخلاف قانون به کاربری «فضای سبز تثبیت شده» اجازه ساخت «تجاری» داده شده بود!! و تعدادی درخت نیز در نتیجه گذر «معبر عمومی» قطع شده بود. نفس طرح این پرونده ها طرح جزئیات آنها در جلسه علنی شورا، قدم بسیار مهمی در شفاف سازی و شیشه ای شدن شورا دارد. اما به نظر می رسد باید این پرونده ها از قبل توسط همه اعضاء شورا مورد مطالعه جدی قرار گرفته و اطلاعات آورده شده به جلسه به صورت دقیق راستی آزمایی گردد، رسانه ها هم به دقت ابعاد و جوانب این پرونده های که گاهی بسیار پیچیده و فنی هم می باشند، برای افکار عمومی شفاف سازی کنند. این بخش از جلسه قابلیت ارزیابی نسبی داشت.

ه اعضاء با کار کرد «مفید و قابل قبول»

«خلیل آبادی»، «مسجد جمعی»، «حق شناس»، «سالاری» و «نژاد بهرام» (به دلیل تذکرات رای شده در جلسه) و «فرمانی» (طرح اصلاح طرح دو فوریتی کمک به زلزله زدگان کرمانشاه)

هفته نامه سیاسی اجتماعی فرهنگی

پدیدار

صدای محله های تهران است

آگهی خود را به ما بسپارید

۸۸۳۱۲۵۹۷

۳ درگیری با معتمدان در تمام فصول سال

«مسعود هروانی» دبیر شورایی محله «رضویه» که مدیر تنها مدرسه محله است به خیرنگار «پدیده شهر» می گوید: در هر جلسه، دیدار و گفت و گویی که حاضر شدیم، در مورد ضرورت خروج این گرم خانه از تهران و محدوددهای که شهرداری با جمعیت بالا دارد مذاکره کرده ایم؛ نامی چرامسئولان دشمن به حال مردم نمی سوزد و گوششان به هکار نیست. یافت مسکونی محله «رضویه» تماس مستقیمی با این گرم خانه دارد. اگر گرم خانه خارج از محدوده تهران بود با آن مشکلی نداشتیم اما الان شهر کی با جمعیت قابل توجه کنار گرم خانه، وجود دارد که درگیر معضلات و چالش های فراوانی شده است. بسیاری تصور می کنند که مشکل ماقط زمستان هاست در حالیکه این گرم خانه در تمام فصول ساز فعال بوده و اقدام به جذب و پذیرش معتمدان و کارتن خواب های می کنند. تابستان و زمستان مشکل داریم. کفش دزدی، طلا دزدی، کیسول گاز دزدی... همه در شهر ک مار می دهد و مردم هیچ امنیتی احساس نمی کنند. معتمدان به پارک ها مهر رحم نکرند و اگر در کوچه و خیابان دیده شوند، به طور حتم می توایم سراسنمان را در پارک و بوستان ها بگیریم.

۱ قامت خمیده محله «رضویه» زیر بار گرمخانه «خاوران»

یکی از محلات حاشیه ای جنوب شرق تهران، شهرک «رضویه» است که با وجود آنکه شهرک «خاورشهر» و «قیامدشت» بعد از آن قرار گرفته، اما ساکنان آن با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند. سرنوشت شهرکی عظیم با داشتن ۵ هزار نفر جمعیت همه در زیر بار گرمخانه ی همجوار با محله زیر سلطه رفته است. مسئولان گرم خانه «خاوران»، صبح زود معتمدان را از گرم خانه بیرون می کنند. تعدادی از آنها سوار بر اتوبوس های حاشیه اتوبان «امام رضا» می شوند و به محلات دیگر می روند و تعداد زیادی هم راهی شهرک همجوار با گرم خانه، یعنی «رضویه» می شوند. گرچه مردم محله عادت کرده اند که روز صبح شاهد تعداد زیادی از معتمدان و کارتن خواب ها باشند، اما اعلام می کنند که تا هر زمان طول بکشد، در این مورد اعتراض می کنند و پیگیر هستند... «معتمدان در تمام زندگیمان هستند... سوار اتوبوس می شویم، از بوی تعفن شان نمی توایم نفس بکشیم. بارها دیده ایم که اهالی از شدت بوی بد لباس های آنها در اوج سوز هوا، شیشه های اتوبوس را به طور کامل باز کرده اند. بعضی معتمدان برایشان خیلی مسایل از اهمیت افتاده است... در اتوبوس سیگار می کشند... کف اتوبوس دراز می کشند، بی اختیاری ادرار دارند و هزار کار زشت دیگر که وقتی فرزندمان آنها را می بینند، تعجب می کنند... از صبح زود که می خواهیم در خانه هایمان راباز کنیم و به محل کار خود برویم، معتمدان این گرم خانه به صورت تیمی، گوشه و کنار کوچه ها و خیابان ها ناشسته اند و زاع سیاه مردم را چوب می زنند. فقط کافی است متوجه شوند که خانه ای خالی است یا آشپزی قیمتی دارند... به حال به یکدیگر آمار و اطلاعات می دهند و خانه را خالی می کنند. جرات داریم به مهمانی برویم و نمی توایم شب یک بیرون از منزل بهمانیم. حتما باید یک نفر در منزل باشد. حتی وجود زنان در خانه هم عواقب در روز روشن طلای زن و بیجه مردم را از گوشش کشیدند و دارند... اینجا امنیت نداریم. تمام زندگیمان به خاطر معتمدان تحت تاثیر قرار گرفته است.

۴ آنها که اعتراضی ندارند، جنوب شهری و محروم هستند!!

روی هم رفته برای جمعیت ۵ هزار نفری تنها یک بوستان وجود دارد که آن هم ملک شخصی و جای خواب معتمدان شده است و همین مقدار از فضای سبز هم از مردم محله در بیغ شده است. دبیر شورایی محله ادامه می دهد: شنیدن نام «شهرک رضویه» برای مسئولان حساسیت زاشده است. همین طور برای مردم تهران. مسئولان وقتی نام شهرک ما را می شنوند، با خودشان می گویند آنها که اعتراضی ندارند، جنوب شهر و محروم هستند... به همین دلیل انگیزه ای برای خدمت رسانی در خود ندارند. مسئولان در دوره های مختلف آمار و ارقام داده اند که چه میزان از معتمدان را در گرم خانه اسکان داده و به قول خودشان ساماندهی کرده اند. اما واقعیت این است که ساماندهی خاصی در کار نبوده و بلکه تمام مشکلات آنها از گرم خانه به صورت مستقیم، محله و کوچه ها را درگیر کرده است و هیچ کارنامه قابل قبولی در این ارتباط وجود ندارد. اگر همجوار با محله، دانشگاه، فروشگاه یا حتی مدرسه ای وجود داشت به طور حتم همراه با خود آبادانی به آن مغان داشت. اما این گرم خانه رونق و برکت را از شهرک های همجوار مثل «رضویه» یا «مشیریه» نیز گرفته است.



۲ از مردم اصرار و از مسئولان انکار!

یکی از اهالی محله می گوید: «لباس های معتمدان سال به سال شسته نمی شوند. نمی دانیم داخل گرم خانه چه امکاناتی دارد که وقتی از آنجا بیرون می آیند، بوی بسیار بدی می دهند و لباس هایشان هیچ تغییری نمی کند و همیشه گرسنه هستند. شنیده ایم که یک وعده غذای گرم به آنها داده می شود اما انگار این وعده غذایی کافی نبوده و امکانات دیگری به جز غذای کم و جای خواب ندارد. به هر حال جای این گرم خانه کنار خانه های مردم بیگناه نیست و امیدوار هستیم که فکری به حال مردم شود. خودمان هم بعید می دانیم که گرم خانه را منتقل کنند. این همه کار خانه و زمین که بدون تکلیف، سالها بی سال است که رها شده اند... دیگر تجدید نظر در مورد گرم خانه به نظر بسیار بعید می آید... مسئولان که بارها از گرم خانه بازدید کرده اند به محله ما هم آمده اند و خیلی خوب می دانند که در مردم چیست، منتها انگیزه ای برای عمل به وعده هان ندارند و پایبانه تراشی می کنند». انتهای محله «رضویه» هم در کاستی های زیادی فرو رفته است که شرایط بسیار اسف بار تر از دل محله دارد. انتهای محله روی تپه های شهرک، درست زیر بزرگراه نیمه تمام مانده شهید «جعفی رستگاری» حلی آباد های درست شده اند که جمعیت مهاجر زیادی را در خود جای داده اند. در خانواده به شیوه دلخواه خود اقدام به ساخت خانه کرده و اگر روی آجر گذاشته است. به گفته اهالی هیچ ضابطه ای در ساخت خانه ها رعایت نشده و اگر زلزله بیاید یا کمترین ریشتن، خانه ها را خراب خواهد کرد. این تپه همحلی امن برای معتمدان شده و صدای اعتراض اهالی را در آورده است. آسیب های بسیاری در این حلی آباد ها در حال وقوع است که با وجود باز دید مکرر توسط نمایندگان مردم در شورای شهر داری و مجلس، هنوز فکری برای این محدوده نشده است.

پشت سنا سختمان گرم خانه که می رویم، معتمدان و تمام آنها که از ظاهر شان مشخص است درد اعتبار رابه جان می خرد، دسته دسته نشسته اند و در حال مصرف مواد مخدر هستند. بعضی از آنها از صبح تا غروب مواد می کشند و غروب هم خمار و بی جان برای خواب به گرم خانه می روند. پشت گرم خانه برای معتمدان و مواد فروشانی که مسلح هستند و گونی گونی مواد مخدر حمل می کنند پاتوق شده است. به گفته اهالی نیروی انتظامی به خوبی می داند که اینجا چه خبر است و اگر بخواهد آنها را دستگیر کند بدون شک باید چند روز دیگر آنها را رها کند. بر این اساس به هر حال باید مواد مورد نیاز روزانه معتمدان هم تامین شود. پس در عمل وقتی هیچ رویکرد یا هدفی برای درمان و ترک معتمدان وجود نداشته باشد، نیروی انتظامی هم در این زمینه خنثی و بدون برنامه پیش می رود.

گزارش «پدیده شهر» از محله «رضویه» منطقه ۱۵ که پاتوق معتمدان بی خانمان شده

سایه سنگین گرمخانه «خاوران» بر «رضویه»

از نبود سرانه های خدماتی، ورزشی، فرهنگی تا مدرسه زیر زمینی و تپه های امن برای معتمدان
مسئولان به اسم محله «رضویه» هم مساسیت دارند



۹ زباله های تلنبار شده؛ جولان موش و سد معبر!

اگر معضل نبود مدرسه در محله جدی گرفته شود معضلات پنهان دیگر هم رشد نخواهند کرد. بچه ها و نوجوانان جدای از تحصیل روزانه، به آموزش هایی نیاز دارند... باید مهارت هایی را یاد بگیرند، مهارت های نه گفتن، زندگی بهتر، محافظت از خود در برابر انواع آسیب ها... به مدرسه فقط یاد دادیم سواد آموزی نگاه نشود... در این محله باید کار های فرهنگی زیادی انجام داد. خطر در کمین جوانان و نوجوانان زیادی است.

«خلیل اسدی» عضو شورایاری محله نیز با انتقاد از عدم پاسخگویی درست مسئولان به شورایاران و محقق نشدن وعده های آنها می گوید: «۱۲ سال است که در ارتباط با تمام معضلات و مشکلات محله نامه نگاری کردیم. در صحن علنی شورای شهر تهران حاضر شدیم و با اعضای شورا صحبت کردیم. آنها هم خودشان از محله ما بازدید کردند. نه یکبار، بلکه چندین بار به محله ما آمدند و مشکلات را از نزدیک بررسی کردند. اما تا به امروز تنها به ماقول های بیپوده دادند. حتی بعد از هر بار بازدید، با وجود تایید صحبت های منطقی ما، نامه های درخواستی مان را هم بدون امضای گزارنده می روند! مشکلات نبود مدرسه، فضای سبز، بانک، سختی و معضلات حاصل از گرم خانه، همگی بارها و بارها منعکس شده و هیچ فایده ای از این انعکاس ها عایدمان نشده است. شهر و نردان هم دیگر به ما که خالصانه تلاش می کنیم و شاهد تلاش ما هستیم بی اعتماد و دلسرد شده اند و حتی گاهی ما را مقصر مشکلات می دانند... وی ادامه می دهد: «معضل سد معبر از مسایلی است که نسبت به مطرح کردن آن خسته شده ایم. حوالی ساعت ۶ عصر به بعد خیابان ها بسته شده و دست کار فروشان شروع می شود. نه نظارت و نه بر خوردی... هر کس کار خودش را و آنچه که صلاح می داند انجام می دهد. در صورت وقوع حادثه هم امکان تردد ماشین های امداد رسان، آمبولانس و آتش نشانی در محله هرگز امکان پذیر نیست. به خاطر دست فروشان، خیابان قفل و غیر قابل تردد می شود. زباله ها روی هم تلنبار می شوند و انوقت باید جوی های آب را هم نگاهی بیندازید که موش ها چه جولانی می دهند... بارها با ۱۲۷ تماس گرفتیم و در مورد موش ها کمک خواستیم، ختم کلام اینکه اینجا کسی به داد مردم آخرین محله از تهران نمی رسد... فقط قول، قرار و وعده می دهند...»



۱۰ اینجا کسی به داد مردم آخرین محله از تهران نمی رسد!

اهالی محله از اینکه سهم شهرک «رضویه» از فضاهای ورزشی بسیار ناچیز است گله دارند... «به محله رسیدگی نمی کنند، فراموش شده ایم، دوسال است که زمین ورزشی مختص بانوان ساخته اند که گویا آماده بهره برداری است اما هنوز تحویل نداده اند و اعلام می کنند که منتظر برنامه بهره برداری هستند. مگر این زمین ورزشی برای مردم ساخته نشده؟ پس چرا دست روی دست می گذارند و به نفع مردم بهره برداری نمی کنند؟ ورزشگاه «نیسی» هم اگر چه در محله وجود دارد، اما ورزشگاه به مردم غیر بومی کرایه داده می شود و سهم اهالی از آن صفر است... در حالیکه طبق قانون، ۳۰ درصد از ورزشگاه باید برای اهالی محله به صورت رایگان باشد در حالیکه اهالی محله تا به امروز از این ورزشگاه استفاده نکرده اند. سود حاصل از شهرک کلاس ها هم به نفع شهرداری و پیمانکار است. تنها زمین مصنوعی محله هم به دلیل نداشتن آب شرب و روشنایی بدون استفاده مانده و ممکن است به زودی به خاطر تاریکی محدوده، تجهیزات آن هم توسط سارقان و معتاد های راه شده، به سرقت رود.



۵ امکانات نمی خواهیم فقط گر مخانه منتقل شود!

«خلیل اسدی» شورایاری «رضویه» نیز در گفت و گو با خبرنگار «پدیدها شهر» تأکید می کند: حس امنیت از ضروری ترین الزامات زندگی است که متأسفانه میان مردم وجود ندارد؛ زنان شاغل هر روز صبح همراه با همراهانشان راهی محل امنی برای سوار شدن به وسیله عمومی اسکورت می شوند و پسر و دختر بچه های مدرسه ای هم همراه با والدین خود به مدرسه می آیند... حتی اگر مطمئن باشند که معنای در خیابان وجود ندارد باز هم مطمئن نکرده و بچه ها را همراهی می کنند. نبود امنیت آنقدر مشکل ساز است که حاضر هستیم در محله، نسبت به فقر امکانات دیگر سکوت و چشم پوشی کنیم. ما در عوض گرم خانه از محدوده زندگی و سکونتمان منتقل و خارج شود. مشکلات محله «رضویه» با وجود گرم خانه مجاور به گرم کوری تبدیل شده است که هیچ امیدی برای حل مشکلات آن در دل مردم وجود ندارد. محله ما تنها یک بانک دارد. یعنی تمام شهرک از یک بانک استفاده می کنند. روزهای پنجشنبه و آخر سال، بانک ها چنان شلوغ می شود که نمی توانی کار در مردم روی زمین می ماند. مردم به یک بانک نیاز دارند که کار های روزانه خود را انجام دهند... چرا این امکان از مردم دریغ می شود؟ یعنی اشغال محله توسط معتادان در این مساله تأثیر گذاشته است؟ به طور حتم با حادثه بانک امنیت آنها هم تأمین خواهد شد.

۶ «رضویه» کمتر از یک روستا است؟

«مسعود وراثتی» دبیر شورایاری محله در این ارتباط می گوید: در محله ما محدود در مغازه و وجود دارد که کار اقتصادی می کنند و به بانک نیاز دارند. مردم هم حق دارند که در محله بانک به تعداد لازم که نه به تعداد کافی داشته باشند... هر کدام از صاحب مغازه ها می توانند حسابی در بانک داشته و حتی در رونق اقتصادی مشارکت کنند. اینکه مردم محله را اینهمه نیازهای آنها نادیده بگیریم، بی عدالتی محض است. مسئولان اعلام می کنند که شهرک «رضویه» محروم و دور افتاده است. اما در محله ما افراد زیادی وجود دارند که تمکن مالی خوبی دارند و حتی به صرف دور افتاده بودن محله هم نباید برای خدمت رسانی به مردم بهانه تراشی کرد. الان در روستاهای دور افتاده هم شعبی از بانک ها فعالیت دارند. تمام کوچه های تهران حداقل دستگاه خود پرزای وجود دارد... مسئولانی که بهانه تراشی می کنند از تأمین امنیت محله نگران هستند، اما رفت و آمدها را به شهرک های اطراف برای انجام کار های بانکی هم بر از در دستر بوده و تا به امروز به های حاصل از آن را خود در محله از نظر بانک از جمله بزرگ ترین موارد است که محله نشینان این شهرک نسبت به آن اعتراض داشتند به خصوص وقتی بانک شلوغ است و مردم در صف های انتظار طولانی می مانند، بیش از هر زمان دیگری بدوی راه گفتنشان شروع می شود. کمی دقتی آموزشی مثل مدرسه «محله رضویه» را درگیر معضلاتی کرده است...

۷ معتادان تنها الگوی کودکان!

بچه های دبستانی در تنها مدرسه محله درس می خوانند... در راه مدرسه معتادان زیادی را می بینند که سرشان را داخل مخازن زباله کرده و یاد حال تزریق مواد مخدر هستند... ذهن کودکان دبستانی از همان سن کم با این معضل آشنا شده و الگو پذیری آنها از این دست معضلات اجتماعی شکل می گیرد... تقلید کوکوران کودکان از شیوه تزیق یا مصرف مواد مخدر بارها در های دسته جمعی شان مشاهده شده است و خانواده ها هم به خاطر عدم آگاهی، آنها را به سخت ترین شیوه ممکن تنبیه کرده اند. لزوم برگزاری کلاس های مهارت زندگی و فرزند پذیری در چنین محله ای بسیار ضروری است. اما متأسفانه وقتی فضای برای حق مسلم بچه ها برای آموزش وجود ندارد، طوره می توان نسبت به برگزاری کلاس های فوق برنامه برای خانواده ها و دانش آموزان اقدام کرد؟

۸ تحصیل ۴۰ دانش آموز در کلاس های زیر زمینی!

«هروراثی» دبیر شورایاری محله شهرک «رضویه» که آشنایی نزدیکی با فضای آموزشی و تنها مدرسه محله دارد می گوید: «محله تنها یک دبستان دارد که در هر کلاس ۴۰ نفر دانش آموز راهزور جاده دید و در زیر زمینی آموزش می دهیم. تنها مدرسه محله مشکلات فراوانی دارد دو هم اندازه سن و تجربه مان در خواست داده ایم تا مدرسه راهنمایی و دبیرستان هم در محله راه اندازی شود. بارها اعتراض و اعلام کرده ایم که زمین مورد نیاز در محله وجود دارد که هم متعلق به شهرداری بوده و هم سند دارد. تنها آموزش و پرورش در خواست کرده ایم که خیرین مدرسه ساز برای این منظور همراهی و معرفی کنند تا بدون صرف بودجه، برای مردم مدرسه احداث شود و مجبور نباشند برای ادامه تحصیل فرزندشان در مقاطع تحصیلی بالاتر از دبستان به محلات دیگر بروند. متأسفانه مردم شرایط مالی خوبی ندارند و مشکلات رفت و آمدی هم به تنهایی دست و پا بردار نیستند. عده ای از دانش آموزان مستعد مدرسه به خصوص دختران ترک تحصیل کردند و خانه نشین شدند و بچه های زیادی در همین رفت و آمدها دچار مشکلات عدیده شده اند... اما هیچ کس به این درخواست قدیمی مردم رسیدگی نمی کند. مسئولان می گویند چه اشکالی برای تحصیل بچه هادر محلات دیگر وجود دارد و با این موضوع ساده برخورد می کنند. در حالیکه آنها از جنس مردم و در میان مردم نیستند. فرزند خودشان در خطر نیست که در مدرسه وارد کنند.»

گزارش «پدیده شهر» از مشکلات محله «تابک» در منطقه ۱۵

کابوس اعتیاد

در ویرانه های محله «تابک»

سرویس بهداشتی که پلمپ اش ۹۰ درصد مشکلات اجتماعی ممل را حل کرد!

محل «تابک» ۳۰۰ پروژه بلا تکلیف دارد

فان های نیمه ویران؛ فرصتی که نوسازی بافت فرسوده به فلاکاران داد

دگر دیسی فان های قدیمی به انباری و کارگاه

محل «تابک» در تسفیر افغانی ها؛ کوچ اهالی قدیم



اهالی «تابک» محله ای امن می خواهند

وقتی نوبت به منطقه ۱۵ شهر داری تهران رسید، اولین محله ای که توجهمان را جلب کرد، محله تابک بود... انگار محاصره این محله در مشکلات عمرانی، ترافیکی، اجتماعی... باعث شده است تا این محله در منطقه بسیار پیش از انتظارها سر زبان بیافتند... برخی از اهالی در صحبت کردن با عوامل نشریه محافظه کارانه برخورد کرده و به دیگر همسایه ها اشاره می کردند که فقط از بدی و معضلات محله نگویید، خودمان داریم برای محله تبلیغ منفی میکنیم... انقدر از معناد و کارتن خواب گفتم که همه تابک را به مرگ خلاف کارها می شناسند، اما عده ای دیگر از محله نشینان در توضیح مشکلات محله صوری به خرج داده و به تمام معضلات اشاره می کنند! آنها اعتقاد دارند که اگر از مشلات بگویند، مسئولان هم از این سکوت و خنثی بودن اهالی استفاده کرده و همچنان نسبت به محله بی تفاوت خواهند بود... اهالی از همه چیز خسته شده اند... مادری از اینکه به خاطر وضعیت محله، خواستگاری برای دخترش نمی یابد و یانمی تواند پسرش را سر و سامان دهد نگران است... پدری از اینکه پسرش با افراد ناباب و خلافکار در هم کلام و دم خور شود، نگران است...

تهیه مواد از آب خوردن راحت تر است

اینجا فقط کافی است برای تهیه مواد مخدر اشاره کنی... خیلی سریع نیت خوانی می کنند و جنس مورد نیازت را تحویل می دهند... پیرمردی که شنیده بود «ترباک» کم دردمسروش را آرام می کند، سوراغ مواد فروشان را می گیرد و یکی از معتادان که می خواهد خودش جنس پیرمرد را جور کند با اشاره سسر و طعنه می گوید: «داداش... ترباک هم شد مواد به روز باش، شیشه ببر، روشن تر می کنه...! همزمان دستی برای یک موتور سسوار که گوشه ای کمین کرده تکان می دهد و موتور سسوار با کلاهی که سر و صورتش را پوشانده نزدیک می شود... جنس پیرمرد را جور می کند و می رود... پیرمرد هم یک پای دیگر قرض می کند و از محل دور می شود...! اینجا مواد مخدر به آسانی یک پلک برهم زدن جور می شود و هیچ کس لنگ نمی ماند... فقط کافی است پولت کافی باشد تا برای یک تک مواد فروشان فعال در محل معتبر شوی... آنوقت حتی خودشان سرافت می آیند و می خواهند تا با جدیدترین جنس اغفالت کنند...

تخریب خانه ها به بهانه نوسازی!

«صفر اسماعیلی» جانشین دبیر شورایاری محله «تابک» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» تأکید می کند: دیگر زمان انجام کارهای بدون برنامه گذشته و باید برای حل محضل کارتن خوابی و اعتیاد در تمام محلات از جمله «تابک» که وضعیت اسفنا بری نیز دارد، چاره اندیشی شود! اقدامات فعلی در این زمینه تنها به طرح های جهادی کوتاه مدت و موقت خلاصه شده و اقدام به جمع آوری معتادان، بی خانمان ها و کارتن خواب هاست... این افراد بعد از چند روز با به چرخه سابق برگشته و یاد محلات دیگر برانگند می شوند... در حال حاضر به جرات می توانیم بگوییم و آمار دهیم که در هر کدام از ۳۰-۴۰ معناد مشاهده می شود که قبلا حبیب و حیانی داشتند و مخفیانه کار می کردند، اما حالا قبیح کارشنان از بین رفته و به صورت علنی همه کار می کنند... دزدی، خفت گیری، مصرف مواد مخدر و... را در روز روشن مقابل چشممان زن و بچه های مردم انجام می دهند و از هیچ کس حتی کلاتری و ماموران هم نمی ترسند... اهالی می گویند که قبلا خیابان «حشمتی» وضعیت اسفناری داشته و به کانون توزیع مواد مخدر معروف بوده، اما حالا کوچه های زیادی از محله «تابک» از این معضل خجالت زده هستند... زیر زمین خانه های زیادی تبدیل به لایاتور تولید شیشه شده اند و تجارت کیفی را به راه انداخته اند... معضلات حاشیه ای زیادی دست به دست هم داد تا محله را برای فعالیت تولید کنندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر مهیا و فراهم ساخت؛ سالها پیش وقتی خانه های زیادی برای احیا و نوسازی بافت های فرسوده تخریب شد، امید و انگیزه زیادی را در دل اهالی ایجاد کرد که قرار است حال و روز محله عوض شده و رنگ آرایش و تازگی به آن باز گردد... گرچه اتوبان «امام علی» همزمان با مأمورهای تبلیغاتی برای انتخابات، به بهره برداری رسید، اما دیوار کوتاهتری از خانه های مخروبه وجود نداشت که در راستای احداث اتوبان فوق، به گودالی از آسیب های اجتماعی تبدیل شود... گویا مین های زیادی قربانی این اتوبان شدند...

پاسکاری به جای «حل مشکل»

«صفر اسماعیلی» جانشین دبیر شورایاری محله «تابک»، عمده ترین مشکل محله، راهسازی و نادیده گرفتن خانه های مخروبه در هر کوچه و محله است که بدون استننا تمام محله را درگیر کرده است... در هر کوچه حدود ۳ ملک و زمین ویران به چشم می خورد که به جای نوسازی با بازسازی، به محل سکونت معتادان تبدیل شده و آسایش و امنیت را از همه سلب کرده است... در تمام محله حدود ۲۵۰-۳۰۰ پروژه بدون تکلیف وجود دارد... وقتی در این ارتباط پیگیری های صورت گرفت، تمام متولیان موضوع راه یکدیگر از جاع داده و پاسکاری کردند... سازمان نوسازی، شرکت جنوب شرقی نوسازان و شهرداری همگی موضوع را مثل یک توپ به زمین یکدیگر پاسکاری و میدان را برای حل معضلات خالی کردند...

وی ادامه می دهد: به گونه ای در کوچه ها دست به تخریب زدند که گویا زمان احداث اتوبان امام علی (ع) هدف مشخصی نداشته اند... به اسم نوسازی و به صورت پراکنده خانه ها را تخریب و بعد ها کرده اند... ۵۰ در صدا از پروژه های سازمان نوسازی در راستای احیای بافت فرسوده طبق اعلام خودشان به سرانجام رسیده، این در حالی است که این پروژه های تخریبی نداشته و هنوز تحویل داده نشده اند... این ساختمان ها هم که هنوز مالکی ندارند و خالی هستند محل بروز آسیب های اجتماعی شده اند و محله را ناامن کرده اند...

«تابک» یا محل زندگی

وامرار معاش معتادان؟

ضایعاتی های محله «تابک» و «هاشم آباد» هم به نوعی کار معتادان را ساده تر کرده و به یک سرشاخه توزیع مواد مخدر تبدیل شده اند. معتادان در محله ضایعات را جمع می کنند و به ضایعاتی های فروشنده در ازای آن پول گرفته و یا مواد مخدر تحویل می گیرند. این فعال اجتماعی در این ارتباط می گوید: خدا برکت دهد، سازمان نوسازی محل خواب، تجمع و بائو مق معتادان را فراهم کرده است و هم کار و کاسبی معتادان و کارت خواب ها را در محله طبق روال انجام می شود. در محله بیش از ۲۵ مغازه و گاراژ ضایعاتی وجود دارد که در مسئولان مثل همیشه تقاضا داریم که اگر امکان ساماندهی اصولی معتادان را ندارند، حداقل معاش نسبت به جمع آوری و برخورد با این گاراژ ها اقدام کنند. با این کار معتادان هم بیش از این میدانی برای جولان و آزار و اذیت ندارند.

گرچه این فعال اجتماعی نسبت به لزوم جمع آوری ضایعاتی ها تاکید دارد اما تنها بوستان محله «بمبت» نیز یکی دیگر از بائو مق های اصلی و امن معتادان بوده که لازم است امنیت به این بوستان باز گردد. محله از نبود فضای سبز ایمن و تمیز رنج می برد و نیازمند در نظر گرفتن فضای سبز مناسب برای شهروندان است. مسئولان شهری و عده هایی داده بودند مبنی بر اینکه فضای سبز مسیر کندروی اتوبان «مام علی» گسترش می یابد، اما متأسفانه با افتتاح این اتوبان تمام قول و قرارهای حاشیه ای آن به دست فراموشی سپرده شد.

ورزشگاهی که چهار بار افتتاح

و باز بدون استفاده ماند!

معضلات نبود فضای سبز را هم که فاکتور بگیریم، یکی از مهم ترین نیاز اهالی به فضای برای ورزش و چمن مصنوعی است. محله به تازگی صاحب یک ورزشگاه «مهر خاوران» شده است. اما این ورزشگاه هم حوالشی زیادی داشته و بدون داستان نبوده است. جانشین دبیر شورای محله تابک در این ارتباط می گوید: به لطف مسئولان این ورزشگاه، چهار بار افتتاح شد. هر بار هم به بهانه حضور یکی از مسئولان شاهد پاره کردن ریان افتتاح بودیم. جدای از این موضوع هر بار بعد از افتتاح که سری به ورزشگاه می زدیم، ورزشگاه را خالی و بدون تجهیزات می دیدیم. وقتی سراغ وسایل را می فرستادیم، اعلام می کردند که تجهیزات برای افتتاح فلان ورزشگاه ارسال شده است. باز اگر این مساله را هم فراموش کنیم، باید اعلام کرد که این ورزشگاه با وجود اعتبار فراوان، ایمنی لازم برای پیچ های مردم را ندارد. بعد از افتتاح متوجه شدیم که برای ورزشگاه پله ای خانمهای نشده و فقط با آسانسور امکان تردد و دسترسی در طبقات وجود دارد. حال اگر برق بیرون معلوم نیست که باید چه طور از آسانسور خارج شد. اعضای شورای شهر هم در بازدید هایشان نسبت به کاستی و نواقض این ورزشگاه هشدار دادند. به دنبال این مشکل به راهی برای ترد تمیبه شده است که فاقد ایمنی لازم بوده و به طور حتم با یک ضربه کوچک نابود خواهد شد. متأسفانه اگر سرانه ای هم برای ورزش اهالی در نظر گرفته شده، دارای نواقض و مشکلات عمده ای است. ...

فقر فرهنگی در محله

صحت از کاستی های محله اگر چه اولین و مهمترین رویکرد است. اما بعضی از اهالی نسبت به این موضوع چندان واکنش نشان می دهند که صحت از امتیازات محله هم جزئی از رویکرد دمان می شود. اما وقتی به کنکاش معضلات می پردازیم، تمام امتیازات و ویژگی های مثبت محله ختنی می شود. درد و رنج مردم آنقدر زیاد است که مقاومت برای عدم انعکاس آنها، وجدانمان را آزار می دهد. مردم محله تابک برای انقلاب جان داده اند. اهالی تاکید می کنند که بنویسید تابک تا به امروز حدود ۵ شهید مدافع حرم تقدیم کرده و حدود ۳۰۰ شهید در راه انقلاب داده است. اما به گفته اهالی دریغ از کوچکترین عنایتی از جانب مسئولان، «مارالقران» «تابک» در سال گذشته حدود ۵۰ حافظ کل قرآن به جامعه تحویل داده است و این موضوع همچون تکیه در لابه لای تمام آسیب های اجتماعی محله می درخشد.

با وجود تمام معضلات فعلی محله، «حسن درخشنده»، عضو شورای ایاری محله «تابک» به نکات دیگری اشاره کرده و توقعات دیگری را مطرح می کند. این عضو شورای ایاری بر این اعتقاد است که صحت از کاستی های محله، نام و نشان اثر را بد جلوه داده و باید از فرصت های موجود برای رفع کاستی ها بهره برد. وی می گوید: سال های زیادی تلاش کردیم تا چند کار مهم را گوشزد کرده و در راستای کاهش آسیب های محله قدم برداریم. اما گوش هیچ یک از مسئولان در این زمینه بدهکار نبود. اما بعد از دوندگی و پیگیری های زیاد و همکاری شهردار ناحیه ۲، توانستیم در نهایت در های ورودی سرویس بهداشتی بوستان محله را لمپ کنیم و به این واسطه شاهد حل شدن ۹۰ درصد از مشکلات اجتماعی در محل هستیم. لمپ شدن یکی از باجه های روزنامه فروشی نیز از اقداماتی بود که بعد از رایزنی های فراوان انجام شد. اینکه مسئولان به خواسته های شورای ایاری و نمایندگان مردم گوش دهند، بار سنگینی را از دوش اهالی بر می دارند. خواسته های شورای ایاری خواسته های مستقیم مردم است. حالا صراحتاً داریم که این سرویس های بهداشتی تعطیل شده، به یک فضای مطالعه برای نوجوانان تبدیل شود. محله فقر فرهنگی دارد و این فقر نسبت به فقر عمرانی از اولویت بیشتری برای رسیدگی برخوردار است. اگر شهردار و شهرداران مناطق و نواحی خودشان را شویوند بچه ها بداندند و در مردم از نزدیک لمس کنند، بسیاری از مشکلات را مرتفع خواهند کرد.

محله به

کتابخانه نیاز دارد

وی با بیان اینکه محله باید به صورت همه جانبه توسعه یابد و توسعه تک بعدی بی فایده است ادامه می دهد: پارها اعلام کرد ایم که اگر مشکلات فرهنگی محله حل نشود، مشکلات عمرانی نیز به قوت خود باقی خواهند ماند. توسعه فضاهای بدون در نظر گرفتن امنیت و مسایل اجتماعی، اقدامی تک بعدی است. مسئولان اگر به حرف و خواسته مردم توجه کنند مشکلات زیادی بر طرف می شود. دو اقدام یعنی تعطیل شدن روزنامه فروشی که مرکز فروش مواد مخدر بود، و سرویس های بهداشتی که تنها محل مصرف مواد بود، بیش از ۸۰ درصد مشکلات را بر طرف کرده است. حالا امیدوار هستیم با تقاضای اهالی برای احداث مرکز کتابخانه در پارک نیز موافقت شود. محله در فقر شدید فرهنگی به سر می برد. بسیاری از خانه ها تنها یک اتاق خواب ۱۰ متری دارند و بچه ها جایی برای مطالعه یا درس خواندن ندارند. حتی اعلام کردیم که حاضر هستیم با بودجه شخصی نسبت به احداث کتابخانه اقدام کنیم. هر بار بهانه ای برای عدم همکاری می شنویم. ...



خطر تبدیل خانه های «تابک» به انباری و کارگاه

این عضو شورای ایاری گرچه نوسازی بافت فرسوده را مهم و ضروری می داند، اما اعتقاد دارد که در کنار نوسازی باید سرانه های مورد نیاز آن را هم مدنظر قرار دهند و یک جانبه برای بازسازی نوسازی اقدام نشود. خانه های زیادی در حال تبدیل شدن به انباری و کارگاه هستند. بارها در دیدار های مختلف به مسئولان اعلام کرده ایم که اگر در این زمینه فکری نشود، تابک به زودی تبدیل به منطقه ۱۲ دیگرو خواهد شد که تمام خانه های مسکونی اش به انباری تبدیل شده است. آقایان برای هر اقدامی که از آنها می خواهیم و هر تقاضایی که عنوان می کنیم بهانه ای می تراشند و اعلام می کنند که بازساز می گیریم. موفقتر برای انجام اقداماتی هم محله را تبدیل شدن به دروازه ای دیگری نجات داد. در حال حاضر تبدیل شدن خانه ها به انباری از معضلاتی است وضعیت بافت فرسوده را شدیدتر کرده و حتی صاحبان کارگاه ها و انبارها سقف حیاط خانه ها را نیز طاق زده و در صورت وقوع آتش سوزی می توانند فاجعه به بار آورد. با این تفسیر بافت فرسوده محله دست نخورده باقی مانده است و تا زمانی که آتش سوزی رخ ندهد و تلفات ندیم، اقدامی برای آن انجام نخواهد شد.

دعوا بر سر

تهیه بنزین!

وجود دبه های پلاستیکی و فرورشدگان شلنگ دستی که در حال فروش بنزین در سطح خیابان های اصلی هستند خبر از در کمین بودن حوادث ناگواری می دهند. احتیاج محله به یک پمپ بنزین یکی از نیازهای مسلم شهروندان است. اینجاست گاهی بر سر تهیه بنزین دعوا هم می شود. «رخشنده»، عضو شورای ایاری در این ارتباط می گوید: انتهای خیابان «هاشم آباد» زمین خالی مناسبی وجود دارد که برای احداث یک پمپ بنزین مناسب و به صرفه است. اگر خدای تکره بنزین هابی که مردم با دبه های پلاستیکی در ماشین ها جابه جا می کنند دچار حریق شوند، مشکلات جبران ناپذیری را به وجود می آورد. بدوی بنزین در برخی از خانه هائیز یکی از موارد نگران کننده در این زمینه است. وی در ادامه محله را فاقد توجه ویژه از ژنابسی می کند و با اشاره به یکی از مصدقین ای بی توجهی خاطر نشان می سازد: ۱۱ مسجد در محله وجود دارد که در هیچ کدام از مساجد یک روحانی وجود ندارد. حتی یکی از اعضای هیات امنای مسجد هم در محله ساکن نیستند و با مشکلات مردم آشنا نیستند. در حال حاضر تنها مرکز فرهنگی محله، مساجدی هستند که یک نفر دلسوز و آشنا به شرایط ندارند. و مسئولین در محلات بالای شهر و مرفه ساکن هستند و از جنس مشکلات آگاهی ندارند؛ روحانیون حتی ماهی یکبار هم به میان مردم نیامده و از آنها دلجویی نمی کنند. در حالی که محله به روحانیون نیاز دارد.

انگارشهر

تعطیل است!

مهاجرت اتباع بیگانه به منطقه ۱۵ و به تبع آن محله «تابک» باعث شده که وقتی در محله قدم می زیم، احساس می کنیم که تمام محله به افغانی ها تعلق دارد. مردمی که آن توان مالی بهتری برخوردار می شوند، تمایلی به ماندن در محله را نداشته و خانه های خود را به افغانی ها کرایه می دهند و خودشان به مناطق بالاتر می روند. معضلات حاشیه ای مربوط به این قشر به اندازه ای زیاد است که صدای اعتراض اهالی را هم بلند کرده است. محله ای که فاقد امکانات رفاهی ویژه است برای افغان های مهاجر هیچ گونه امکاناتی ندارد و آنها از این موضوع هیچ اعتراضی ندارند و خودشان می دانند که همین امکانات هم می توانند زیاد باشند. «محله دیگر اهالی بومی و قدیمی آنجانی ندارد. هیچ کس مثل قبل آشنا نیست، همه غریبه شده اند... قبلاً دو نفر آشنا در محله بود که وقتی از خانه بیرون می آمدیم با آنها سلام و احوالپرسی می کردیم اما حالا همه غریبه و افغانی هستند. تنها بوستان محله یا نا امن است و با وسایله ای برای بازی ندارد و تنها باید در پارک پیاده روی کرد. خطر بیخ گوش بچه هایمان است. تنها جایی که بازی می کنند خیابان و کوچه پس کوچه هابی است که به اندازه کافی مشکل دارند. «خیابان رضوی» در محله «تابک» تنها خیابانی است که قدیمی ترها آنجا ساکن هستند و همه همدیگر را می شناسند. شاید به جرات بتوان گفت که این خیابان از بهترین های محله است و معتادان هنوز پایشان به این خیابان باز نشده است... «اگر کسی بگوید که ساکن این خیابان است یعنی وضعیتش از دیگران چند پله بالاتر است. محله را موش بر کرده است... چند ماهی هم می شود که انگار کسی به شهر سیدی نمی کند. موش ها نه از گریه می ترسند و نه از رهگذران، روز به روز هم بزرگ تر می شوند و زاد و ولد می کنند. مشکلات محله یکی دو تا نیست. مطمئن هستیم که اگر اهالی از مشکلات بگویند باز هم تمام اتفاقات تلخ را بازگو نکرده اند و در واقع از مطرح کردن شرم کرده اند... محله را از آسیب است. مسئولان برای خدمت رسانی و خونخوئی خدا، رسیدگی کنند! انقدر وعده دهند. گوشمان از وعده نشناخته است...»

اینجا «شوش» است؛ بهشت فلافکاران

فشام اهالی از عکس های تبلیغاتی از لانه موش های جنوب شهر!

فراگیری بیماری «زردخم» به دلیل نبود ممام

اوراچی ها همچنان در «شوش» ریشه دارند

گرفتاری «شوش» در گودال آسیب های اجتماعی

وقتی بنا به پوشش و انعکاس مشکلات منطقه ۱۵ تهران می شود، به هیچ عنوان نمی توان از محله «شوش» که بین مسئولان به گودالی از آسیب های اجتماعی معروف است، گذشت. گرفتاری های این محله آقدر ریشه ای و زنجیر وار است که وقتی در مورد آن صحبت می شود، ناخود آگاه رشته افکار پاره شده و توجه را به سمت معضل دیگری جلب می کند. معضلی که اگر حادث از قبل نباشد، کمتر و سطحی تر نیست... محله «شوش» سالهایی هم وزن عمر تک اهالی سالمند و پیر، درگیر معضل و دشواری است. اگر بالای خانمان سوز اعتیاد، گریبان خانواده و زندگی های زیادی را گرفته است، «شوش» را بیش از پیش درگیر کرده است... انگار هر چه قدر بیشتر به معضل اعتیاد در این محله پرداخته می شود، از قیح یا حساسیت ماجرا کم تر شده و طبق اظهار بسیاری از فعالان و دلسوزان اجتماعی، از حل این معضل ناامید تر می شوند. اشاره به این معضل را به سطح های بعدی می موکول می کنیم و انقدر معضل برای نوشتن لیست شده است که باز به انواع آسیب های اجتماعی این محله می پردازیم.

لانه موش های بی بدون حمام!

خانه های کپر نشین در محدوده خیابان شهید «غمخور» یا «درخشنده سابق» آقدر درگیر مشکلات ریز و درشت است که شاید صحبت از اعتیاد این محله، چندان در اولویت نباشد... زندگی در خانه هایی که اهالی از روی فقر و در ماندگی به آن متوسل شده اند، چندان جای دیدنی ندارد. جای دیدنی که هیچ جایی برای زندگی یار فاه ندارد. خانه های ۲۰-۳۰ متری که مرز بین هر خانه به سختی قابل تشخیص است. فرش زیر پای خانه ها نه از ابریشم است و نه حتی فرش های ارزان قیمتی برای نشستن دارند. آنها که وضع مالی شان بهتر است، خانه ها را یا موکت های بسیار کثیف آراسته و آنها که توان کمتری دارند، هر دو یا سه روز یکبار از کار تن های رها شده برای تک خانه استفاده می کنند. ۵-۶ نفر خانوار داخل یک خانه، بخوانید «لانه موش» ۲۵-۳۰ متری زندگی می کنند، باز دید از این خانه ها اگر چه اهالی و ساکنان را خوشحال نکرده، بلکه حس ناراحتی - خجالت و بعضا خشم آنها را نیز برانگیخت. آنها از بی مهربی خسته بودند. از اینکه هر از چندگاهی از زندگی و شرای بی نشان عکس های تبلیغاتی گرفته می شود و باز به امان خدا راه می شوند... زندگی در این خانه ها آقدر سخت است که فقط فقر و نداری می تواند تنها انگیزه قوی برای اجبار در زندگی اینچنینی باشد. خانه های بسیار کوچک که هیچ کدام حمام ندارند و دستشویی ها هم برای تعداد زیادی از خانوارها مشترک است. بچه ها یا داخل تشت های پلاستیکی در حیاط های مشترک ۱۵ خانوار دیگر و یا گوشه ای از خانه ها حمام می کنند. خانواده هایی که بتوانند به حمام عمومی می روند، اما پول آنرا هم به سختی به دست می آورند و خانواده هایی که لنگ پول هستند، بچه هایشان نیز به ای از دوش حمام نداشته نمی دانند که دوش حمام و محیط حمام یعنی چه...!

دلجویی در زمان انتخابات!

ساکنان این خانه ها می گویند: «هیچ کس در ب خانه مان را نمی زند... سالها قبل به خاطر کثیفی و بدبختی، بیماری «زردخم» بین بچه ها دیده شده که فقط اداره بهداشت برای کنترل بیماری بین ما آمد و ما رنگ و روی پزشک را دیدیم... آنهم واقعا دلشان به حال بقیه مردم سوخته که بیماری همه گیر نشود. مطمئنم چون خانه هایمان جایی برای بدی برایی ندارد، هیچ کدام از مسئولان مهمان ما نمی شوند و فقط تمام مهمانی و دیدارها ایشان به زمان انتخابات مربوط می شود... وعده می دهند و می روند...» در عین حال «محمود امیر احمدی» دبیر شورایاری محله «شوش» که ۱۲ سال در دل مردم فعالیت داشته و با تک معضلات از نزدیک آشناست در گفت و گویی با خبرنگار «پدیده شهر» تاکید می کند: «محدوده زندگی حدود ۵۰-۶۰ خانوار در خیابان شهید «غمخور» بسیار اسف بار است و به کمک فوری نیاز دارند. محل زندگی شان بسیار ناامن و کثیف است و از کمترین امکانات بهداشتی برخوردار نیستند. اگر مسئولان برای لحظه ای کوتاه وارد این خانه ها شوند، تاب و توان نبوده و حالشان دگرگون می شود. گرچه این افراد به حمام عمومی می روند، اما تعدادی از آنها برای پول حمام عمومی هم گرفتاری دارند. وضعیت بهداشتی محل از وجود این خانه ها اصلا مناسب نبوده و نیازمند رسیدگی هستند... کمک به مردم زلزله زده بسیار مهم و ستودنی است اما در شهر و محلات خودمان هم جای زیادی برای رسیدگی و کمک وجود دارد که فقط کافی است مسئولان برایشان وقت و همت هزینه کنند.



خانه های کپر نشین در محدوده خیابان شهید «غمخور» یا «درخشنده سابق» آقدر درگیر مشکلات ریز و درشت است که شاید صحبت از اعتیاد این محله، چندان در اولویت نباشد. زندگی در خانه هایی که اهالی از روی فقر و در ماندگی به آن متوسل شده اند، چندان جای دیدنی ندارد. جای دیدنی که هیچ جایی برای زندگی یار فاه ندارد. خانه های ۲۰-۳۰ متری که مرز بین هر خانه به سختی قابل تشخیص است. فرش زیر پای خانه ها نه از ابریشم است و نه حتی فرش های ارزان قیمتی برای نشستن دارند. آنها که وضع مالی شان بهتر است، خانه ها را یا موکت های بسیار کثیف آراسته و آنها که توان کمتری دارند، هر دو یا سه روز یکبار از کار تن های رها شده برای تک خانه استفاده می کنند. ۵-۶ نفر خانوار داخل یک خانه، بخوانید «لانه موش» ۲۵-۳۰ متری زندگی می کنند.



تکلیف اورا قچی های یکسره شود

وقتی سسر ظهر می شود و محله در خواب عمیقی فرو می رود، تازه سسر و صدای کارگاه های تعمیرات، اورا قچی ها و ... تمام محله را در بر میگیرد... عده ای در حال استراحت هستند، مر بض دارند و درست زمانی که می خواهند آسایش داشته باشند، سرو صدای ابزار ها بلند می شود آنهم درست در خانه های کنار دستی و همسایه... تمام اهالی از این سرو صدای مزاحم گله مند هستند و اعتراض دارند. وی در ادامه با اشاره به اولویت های پیش روی محله که لازم است انعکاس یافته و در مورد آن چاره اندیشی شود، تصریح می کند: اولویت اول تعیین تکلیف صد درصدی اورا قچی های منتقل شده به حوالی شهرک «خاور شهر» است، در حال حاضر ۷۰ درصد از این مشاغل از محله «شوش» منتقل شده و تنها ۳۰ درصد باقی مانده اند که متأسفانه این میزان نیز همچنان به صورت خرده فروشی در مناطق مسکونی فعالیت دارند و باعث آزار و اذیت های فراوان برای اهالی شده اند. کارگاه های رنگ کاری، صاف کاری و دیگر کارگاه های وابسته به مشاغل آنها همچنان در محله فعال هستند و خانه های مسکونی را اشغال کرده اند که تقاضا داریم نسبت به ساماندهی کامل و جامع آنها اقدام شود. وی ادامه می دهد: کارگاه های زیادی در سطح محله راه اندازی شده اند که محل کارشان با شغل مربوطه همخوانی نداشته و این عدم هماهنگی، محله را با معضلات زیادی روبرو کرده است به عنوان نمونه یک مغازه ۱۲ متری با درب ورودی ۸۰ سانت به تعمیرات شیشه بالا بر خود رو یا تعمیرات برق خودرو تبدیل شده است و به دلیل کمبود فضای کار، فضای خالی بیاده روی جلوی مغازه به محیط کار را این صنف تبدیل شده است. حجم بالای این کارگاه های مزاحم باعث ایجاد در سسر های برای اهالی شده است. سسر و سامان دادن به این کارگاه ها و انتقال آنها به گاراژ های متعدد موجود در محله می تواند این معضل را مرتفع سازد.



معضل آفرینی سد معبرها و باربری های شوش!

دبیر شورای یاری محله «شوش» می گوید: معضل سد معبر از جمله مشکلاتی است که اهالی را کلافه کرده است. این مشکل به ویژه در خیابان «جب نیا» و خیابان «ارج سابق» بسیار به چشم می خورد. انواع و اقسام از وانت بارها و چرخ دستی ها بدون الزام به رعایت قوانین و حوض مرز عبور و مرور مردم، اقدام به فروش میوه و مواد غذایی فله ای می کنند. خیابان از ساعت ۷ صبح جای سوزن انداختن ندارد. کل خیابان چهار لاین است که سه لاین با فعالیت چرخ دستی ها اشغال شده و مشکلات متعدد ترافیکی و آلودگی صوتی زیادی را ایجاد کرده است. بسیاری از دست فروش مواد غذایی کثیف، باز و فله ای را در گاری و فضاهای نامناسب عرضه می کنند. قند و شکر، پنیر، انواع حبوبات، لواشک، تنقلات و... در بد ترین شکل ممکن به مردم عرضه می شود و هیچ نظارتی هم بر فعالیت آنها صورت نمی گیرد. وی می افزاید: مشکل دیگر هم به باربری های دو طرف خیابان «راه آهن» و «میدان «شوش» اختصاص دارد که با وجود اینکه این معضل در محله ما نیست، اما محدود ما را تحت تاثیر قرار داده است. این باربری ها چرا بعد از گذشت ۳ سال از انقلاب، همچنان در داخل شهر فعالیت کنند؟ حتی بعد از پیگیری های فراوان اعلام کرده اند که در این مشاغل باید به محدوده «شورا آباد» در قم منتقل شود و هنوز مشخص نیست که چرا کار انتقال آنها تا این اندازه طولانی شده است.

مردم مدرسه می خواهند

محدودیت محله از نظر نبود مدرسه، بسیاری از خانواده ها را دچار سختی فراوان کرده است. تنها مدرسه محله با داشتن هزار و ۶۰۰ دانش آموز، به صورت دوشیفت فعال است. به گفته اهالی هر شیفیت، یک ساعت از زمان کم کرده تا به شیفیت دوم نداخل نکند. کلاس ها ۴۵ نفری و فضای خوبی ندارد. بچه های افغان و ایرانی به صورت فشرده کنار هم تحصیل می کنند و خانواده ها از این مساله بسیار نگران هستند. دبیر ستان یا اهنما می هم در محله وجود ندارد. در گفته دبیر شورای یاری محله «شوش»، اگر کمیته امداد امام خمینی (ره) زمینی برای احداث مدرسه در نظر بگیرد، در این زمینه خبر هم وجود دارد که برای ساخت مدرسه انگیزه و آمادگی لازم را دارند. محدودیت ها تنها به نبود مدرسه و سیستم آموزشی خاص نمی شود. کمبود فضای سبز، فضای ورزشی و... محله را دستخوش مشکلاتی کرده است که سالها ی سال در مورد آنها اطلاع رسانی شده است.



نوسازی بافت های فرسوده

در کش و قوس اقدامات شعاری

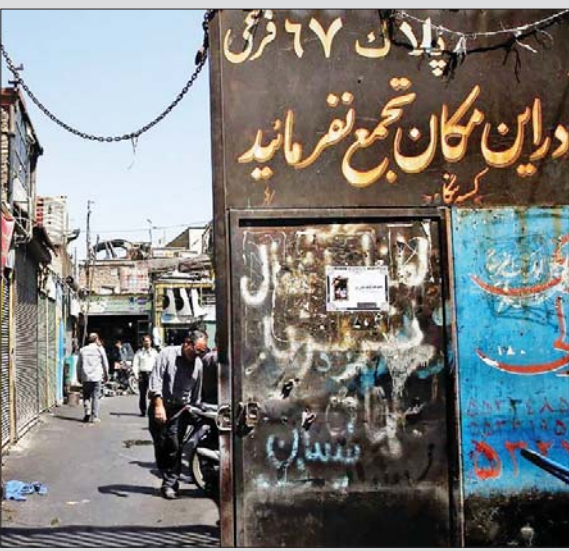
وی ضمن انتقاد از رویه نوسازی بافت های فرسوده در محله می گوید: بر اساس طرح تفصیلی تهران، خیابان های کمتر از ۱۲ متر باید به ۱۲ متر و خیابان های زیر ۶ متر باید به ۶ متر تبدیل شوند. در «شوش» به جز خیابان «شهرزاد» تمام خیابان ها زیر ۱۲ متر هستند و متوسط طبقات فعلی ۲ طبقه است. اعلام کرده اند که گاها تا ۷ طبقه مجوز ساخت داده می شود و اگر ۵۰ درصد از پارکینگ تامین شود، مجوز کامل داده می شود. به عنوان مثال مجوز احداث ۱۰ واحد داده می شود و تنها برای ۵ واحد پارکینگ در نظر گرفته می شود. پس تکلیف واحدها این است که پارکینگ ندارند چه می شود؟ متأسفانه هیچ آینده اندیشی و برنامه ریزی درستی در نوسازی و بازسازی بافت فرسوده وجود نداشته و بارها اعلام کرده ایم که این اقدام کاملاً غیر علمی انجام می شود. ضرورت دارد تا پیش بینی لازم برای ساختمان هایی که در آینده قرار است افزایش جمعیت داشته باشند صورت گیرد. تمام واحدها به فضای سبز، فضای فرهنگی، ورزشی و در عین حال زیر ساخت های مثل آب، فاضلاب، برق، گاز و... احتیاج دارند؛ با اینکه مسکن و شهرسازی اعلام کرده که این سازی بافت های فرسوده در اولویت قرار دارد اما متأسفانه در این ارتباط آینده نگری نشده است.

شوش یا افغانستان؟

از مشکلات دیگری که محله «شوش» را هم درگیر کرده، حضور و مهاجرت اتباع بیگانه از جمله افغان هاست که دیگر مراکز خانه های بسیاری از مناطق و محلات تهران شده و حالا «شوش» را هم سال های سال است که درگیر کرده است... تمام دوست و هم کلاسی پسران افغانی هستند و اصلاً نمی گویند که آنها انسان های بدی هستند و قصد فرار و طرد آنها را ندارند، اما واقعا شویوه و سطح زندگی کاملاً متفاوتی دارند و متأسفانه الگوی خوبی برای پیسر نبوده اند. تمام خانواده ها این گرفتاری را دارند. اگر چه تمام این بچه ها درس خوان هستند و از بچه های ما هم بیشتر کار و استعدادشان بیشتر است، اما راضی نیستیم که با بچه های بزرگ شوند... به هر حال تربیت ها و آداب زندگی متفاوت است و تا الان هم از این ناحیه بسیار ضرر به خورده ایم و بچه های ما هم به آنها وابسته شده و متوجه نگرانی های ما نیستند. آنها هم مقصر نیستند!... «امیر احمدی» دبیر شورای یاری محله «شوش» در ارتباط با این معضل که محله را دستخوش آسیب هایی کرده است می گوید: «در صدد دانش آموزان تنها مدرسه محله، به جمعیت دانش آموز افغانی اختصاص پیدا کرده و هم کلاس بودن آنها با دانش آموزان ایرانی، مشکلاتی را ایجاد کرده است که نگرانی خانواده ها از مهمترین معضلات است. مسئولان متأسفانه تا به امروز هیچ برنامه ای در ارتباط با ساماندهی اتباع بیگانه نداشته اند. در این ارتباط با استاندار و در فرمانداری نیز مذاکره کرده ایم تا از مشکلات بکاهیم اما عملاً برنامه و راهکاری ندارند. بارها هم اعلام کرده ایم که شورا ایران، جامعه شناس و متخصص نیستند و اگر راه کار خوبی وجود دارد، با مشورت و خیر خواهی می توانند به بهترین شیوه ممکن انجام دهند. شورا ایران آماده هستند تا راهکار های علمی و تخصصی را در محلات پیاده کنند. قطعاً اعتبارات بین المللی و یژه ای برای اتباع خارجی وجود دارد که لازم است در رستای کاهش آسیب ها هزینه شوند.

کارنامه سیاه مسئولان در زمینه اعتیاد

باز هم معضل اعتیاد از جمله بزرگترین معضلاتی است که «شوش» را از یاد آورده و همه را غلام حلقه به گوش خود کرده است... علنی شدن این معضل است که بیشتر از همه اهالی را نگران کرده است. «شسب و روز ندارد، پارک، معبر و خیابان هم مهم نیست، همه جا به صورت آشکار مواد می کشند. اصلاً انگار معتادان و کارکن خواب حافظه در «شوش» آرامش دارند. محلات دیگر حداقل فصل سرما آسایش دارند و معتادان به گرم خانه ها میروند اما در این محله اقتدر امنیت دارند که به هیچ عنوان جابه جانی شوند. واقعا اهالی از این نظر دل سرد شده اند. سالها ی سال است در این مورد اعتراض کرده اند و پیگیر بوده اند و حالا انگار حتی نمی توانند در موردش صحبتی کنند و آنرا بی فایده می دانند. دبیر شورای یاری محله «شوش» با انتقاد از تعلل مسئولان در ارتباط با آسیب های اجتماعی محله تاکید می کند: بر خود متکبرانگی اولین نوع روبرو شدن با موضوع است که متأسفانه شهر داری و نیروی انتظامی هراز چندان گاهی به صورت موقت و فیزیکی معتادان را جمع می کنند و بعد از چندین روز با راه کردن آنها، سر را محلات دیگری می آورند در حالی که هرگز حداقل در محله خودمان شاهد بر خورد ریشه ای و دقیق با این مشکل نبوده ایم و کارنامه مسئولان مربوطه در این زمینه را اصلاح قابل قبول نمی دانیم چرا که محله ما از این نظر روبرو روز در حال سقوط است؛ در این زمینه علاوه بر شهرداری، با استانداری و مدیر کل مربوطه مذاکره داشته ایم و حتی از اینکه هیچ برنامه ای در این زمینه ندارند صدایمان را بالا بردیم و عصبانی شده ایم. تمام مسئولان وقتی نام «شوش» را می شنوند، بدون استثنای می گویند گودالی از آسیب های اجتماعی؛ نام گذاری کردن را خوب بلد هستند اما برای کم کردن عمق این گودال برنامه ای ندارند. کارکن خواب ها، معتادان و مواد فروشان، همه را جایی شروع کرده اند و باید دلایل آن بررسی و آسیب شناسی شود. وی ادامه می دهد: محله در معرض آسیب های اجتماعی فراوانی است. آسیب ها از سن کودکی شروع می شود. کودکان اجاره ای، کودکان کار و حتی کودکانی که مواد مخدر می فروشند و در معرض تعرضات زیادی قرار دارند... کودکان کل فروش، فال فروش و... همه تکی بر حساب می آیند و در شرایط بسیار بدی رشد می کنند... چرا هیچوقت این معضل توسط متولیان کاهش نداشته است؟ کارشناسان می توانند در محله «شوش» کار میدانی کنند، بررسی کنند... تمام کارهای علمی و جامعه شناسی صورت گرفته در زمینه این آسیب های اجتماعی و زیر زمینی چه زمانی قرار است مفید واقع شود؟ چرا اوضاع محله ما و حتی محلات محروم دیگر از این جهت روز به روز بدتر و شدیدتر می شود؟ هنوز که کاری برای محله انجام نشده است و اگر این طور پیش برود ممکن است تنها الگو و شیوه زندگی اهالی هم به سمت آسیب های اجتماعی گرایش پیدا کرده و تمام جامعه را درگیر کند.





خانه های ویران قربانی طرح های

بی سرانجام نوسازی!

محله «مینابی» از محلات محروم و فراموش شده منطقه ۱۵ شهرداری تهران، حرف و سخن زیادی دارد... در دویزهای محله، خرابی های راه شده، مغازه های مخروبه، رزه های معنادار و کارتن خوابها، همگی چهره ناخوشایندی به محله داده است. سستون و دویزهای مخروبه ای که بدون هدف و برنامه رها شده اند از بزرگترین معضلات این محله مظلوم تهران است. انتظار زلزله ای در محل آمده و همه جا را ویران کرده و چشم انتظار آوار برداری است. اما کار این خرابه ها از آوار برداری هم گذشته. تک تک مخروبه ها چنان محله را زخم زده و بدیهیت کرده که کل هویت محله را زیر سوال برده است. همه چیز به ظاهر مخدوش از این خرابه ها ختم نمی شود. اهالی می گویند که این ویرانه ها سال های سال است که گریبانگیر خانواده ها شده و هیچ مسئولی در این ارتباط قومی بر نداشته است...

«در دما فقط خرابه ها نیستند... اینجا معنادانی شده است. شب و روز ندارد. هر خانه ای که تخریب و رها شده است، تبدیل به ملک شخصی معنادار شده. محلات دیگر کارتن خواب ها را به گرم خانه می برند، اما اینجا مستمان هم فرقی ندارد. سرمایه هوا به حال این بندگان خدا که تعدادشان هم زیاد است تفاوتی نداشته و این خانه های ویران را به هیچ جای دیگری ترجیح نمی دهند. معنادار یک طرف، مغازه های زیادی هم باز شده اند که ضایعات معنادار را خریداری می کنند... همه دستشان توی یک کاسه است. همه معنادار هستند و اینجا را با تونق کرده اند... وسط خرابه ها که قدم می زنیم لباس های خاکی، چرک و خون لوده می بینیم... سرنگ هایی که هر روز اسباب بازی یکی از بچه های کنجکا محله می شود. پایپ، زورق و وسایل دیگر مصرف مواد مخدر رها شده اند و هر کدام به یک وسیله با ارزش دیگری در زمان خماری کی از معنادار تبدیل می شود.

محله بازار شام است!

اینجا وسیله بدون ارزش و کثیف معنایی ندارد. گوشتی های پر شده از ضایعات انقدر زیاد هستند که هر کدام شب ها به یک جای خواب تبدیل می شوند... گوشتی های کثیف انباشته از زباله های خشک را به هم نزدیک می کنند و یک مکان امن برای خواب با تریق مواد مخدر می سازند. حرفه ای هستند که از هیچ، همه چیز می سازند... اگر سطل های زباله نباشد، یا اندری های گاه و بیگاه اهالی و مناطق بالاترین، از سطل های زباله ای که در به دیر شستشو می شوند غذا تهیه می کنند. غذا هم که پیدا نشود، مواد مخدرشان از سطل های زباله تامین می شود. اصلا برای تخلیه مخزن ها برنامه ریزی دارند. در خیابان یک مسئول برای تخلیه ضایعات و مخازن خشک و قابل باز یافت دارد. روی مخازن غیرت دارند... معنادار تازه وارد بین خودشان ندارند. همه شناس و قدیمی هستند. تازه واردها هم باید پارتنی گفت داشته باشند. هدف داشته باشند آنهم معرف اسم و رسم دار بین خودشان تا بتوانند ماندگار شوند یا اجازه دسترسی به مخازن زباله را داشته باشند در غیر اینصورت مثل آب خوردن هماهنگ می شوند تازه وارد را سر به نیست کنند... محله بازار شام است!

معنادار دانخی!

گزارش «پدیده شهر» از محله محروم «مینابی»



فانه های فرابه محله «مینابی»، امنیت محله را از بین برده است

زمین های متروک، زمین بازی خلاف کاران

همجواری فانه های قوطی کبریتی با پرتگاه



پاسکاری مسئولیت خانه های مخروبه

«بزدانی» دبیر شورایی محله «مینابی» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» در ارتباط با معضل بافت فرسوده در محله و اقدامات نیمه کاره صورت گرفته در این زمینه تاکید می کند: «بیش از ده سال است که به نیت نوسازی بافت های فرسوده، خانه های زیادی را تخریب و رها کرده اند. در واقع خانه ها مثل یک جسد کالبدشکافی شده، رها شده و هیچ همتی برای به سرانجام رساندن این واحدها وجود ندارد. این خرابه ها معضل دستخوش مشکلات زیادی قرار داده و امنیت محله را زیر سوال برده است. وقتی در این زمینه پیگیری می شویم و تقاضای رسیدگی داریم، هیچ متولی و مسئولی پیدانی شود که بتوانیم احقاق حق کرده و توقعاتمان را مطرح کنیم. سازمان نوسازی تهران، موضوع را به سازمان شهرسازی و معماری تهران راجع داده و سازمان نوسازی نیز تقصیر و مسئولیت را به گردن کمیسیون های شورایی شهر می اندازد. در حال حاضر معضل ویرانه هایی که به بهانه نوسازی بافت فرسوده ایجاد شده اند، بین متولیان پاسکاری شده و هیچ مرجع پاسخگویی در این زمینه وجود ندارد.» وی ادامه می دهد: «روز به روز به مشکلات این زمین های متروک اضافه شده و آسیب های اجتماعی زیادی در آن ها رشد قارچ گونه دارد... حفرة های ایجاد شده در این بافت ها به بهترین جای خواب برای کارتن خواب ها تبدیل شده و ناامن ترین محدوده برای اهالی است. حتی آقایان هم به صورت دسته جمعی از تردد در این خرابه ها واهمه دارند و از تردد خانواده خود در این محدوده جلوگیری می کنند. کارتن خواب ها طول روز به تمام محتویات سطل های زباله دسترسی دارند و ضایعات قابل استفاده را جمع آوری می کنند. سودجویان ضایعاتی هم به بهانه خرید و گرفتن این ضایعات در محله، مغازه های کوچکی دارند و ضایعات قابل بازیافت را با بهانه کم خریداری کرده و یا در بیشتر موارد به جای پول، مواد مخدر معنادار را تامین می کنند. متأسفانه در محله به این صورت مبادله کالا به کالا صورت گرفته و امنیت آن برای این قشر از محله بسیار ناامن و مناسب است. در این میان اهالی آبرودار محله صورتشان را با سبیلی سرخ نگاه داشته اند.»



کارتن خواب ها

الگوی کودکان و جوانان!

مغازه های خرید و فروش ضایعات به تنهایی آنقدر چهره و هویت محله را مخدوش کرده که هر گونه کار فرهنگی در این محله را با دشواری همراه کرده است. دانما گفته می شود که باید در محلات کار فرهنگی انجام داد، اما مگر امکان انجام کار فرهنگی در خرابه وجود دارد؟ چرا باید به جای اندیشیدن تدبیر ضروری، شعار داد؟ کار فرهنگی سازی و بالا بردن سطح فرهنگ مردم در خرابه هایی که محل زندگی معززان شده است، بی فایده و کاری زمان بر است.

دبیر شورایی محله «مینایی» در ادامه وجود معضلات فوق از زمینه ای برای افزایش سطح اعتیاد خانواده ها در محله دانسته و خاطر نشان می سازد: «متأسفانه الگوی کودکان، جوانان و نوجوانان همین کارتن خواب ها شده اند... بچه ها از همان کودکی که جایی برای بازی نداشته و به خیابان ها متصل می شوند، معتاد و بی خانمان های زیادی می بینند و همیشه کنجکاو هستند تا در مورد سبک زندگی آنها اطلاعات کافی کسب کنند... مردم محله ای که فضای سبز مناسب و کافی ندارند، کوچه و خیابان را برای سبزی کردن اوقات فراغت انتخاب کرده و با بسیاری از معضلات کوچه و خیابانی نیز آشنا می شوند... متأسفانه محله مستعد بسیاری از آسیب های اجتماعی بوده و آمار گرایش به مواد مخدر و اعتیاد در آن بسیار هشدار دهنده است.

وصله ناجور محله!

محله را که بررسی می کنیم، نبود امکانات بسیاری به چشم می آید، در عین حال مشکلات زیر ساختی فراوانی نیز به تنهایی فقدان امکانات را بیش از پیش برجسته می سازد. وجود یک ساختمان مسکونی «۶ واحدی «مام رضاع» در دل محله، تعجبان را زیاد کرده است. این ساختمان درست مثل غولی بنا شده که خانه های کوچک و فرسوده اطراف هرگز بچه غول هم به حساب نمی آیند... «بزدانی» فعال اجتماعی، با اشاره به این ساختمان که به مشکلات قدیمی محله اضافه کرده است می گوید: خارج از اینکه ستاد مدیریت بحران برادری اساسی از این ساختمان گرفته است، باید اعلام کنیم که این واحد بدون تدبیر ویژه برای زندگی ساخته شده و هیچ امکاناتی برای «۶۰ خانواری که در این ساختمان سکونت دارند، اندیشیده نشده است؛ زمین این ساختمان حدود ۳۰ سال پیش، سنگ بری ۱۸ هزار متری و سالنهای متر و کج بوده است. حالا در همان معبر، با همان گذروهمان خیابان ۳۰ سال قبل، بلوکی «۶ واحدی احداث کرده اند، بدون اینکه فضایی برای ورزش، تفریح یا فضای سبزی در نظر گرفته شود. تمام پاساژ و مغازه های همکف این واحدها نیز بدون رونق مانده و هیچ کس تمایلی به سرمایه گذاری و راه اندازی کسب و کار در این مغازه ها ندارد. وقتی از این ساختمان عبور می کنیم دیدن خانه هایی که به سستی می توایم به آنها خانه بگویم، توجه مان را به خود جلب می کند. خانه هایی که اگر به آنها خانه های قوطی کبریتی بگویم، بعید می دانیم صاحبان خانه ها را دانگیز کند. خانه های ۲۵ متری را که بر انداز می کنیم متأسف می شویم از فقری که مردمانش را به این حال انداخته است. خجالت می کشیم سوال بپرسیم که اندازه سرویس بهداشتی خانه ها چه قدر است... بچه های قد و نیم قدر امی ببینیم که گوشه خانه کز کرده اند، خودمان از روی این بچه ها خجالت می کشیم و می دانیم آنها هم خجالت زده هستند... دختر ها که از خانه بیرون رفته اند و خدامی داند که باور در غریبه، چند بار صور نشان از شرم سرخ شده باشد...!

خانه های مشرف به پر تگاه

دبیر شورایی محله در این ارتباط می گوید: «وقتی آقایان از شورای شهر تهران برای بازدید از محله آمدند و خانه های بسیار کوچک را دیدند متأسف شدند. خانه هایی در پر تگاه قرار دارد که اگر در خانه های خود، به سمت گودی و پر تگاه قرار داد و برای بچه های ساکن بسیار خطرناک است. تنها اطراف خانه ها حصار کشیده شده تا فضا ایمن شود، اما این وضعیت ایمنی ندارد. خانواده ها بسیار نگران هستند. بارها رسد دست بچه ها شکسته است. اهالی به تاسف یا دلسوزی نیاز ندارند، اگر بودار هستند، همه آنها با وجود پول مالی و مشکلات فراوان، به مردم زلزله زده کرمانشاه کمک کردند. امیدوار هستیم شهر دار جدید تهران و اعضای شورای شهر فکری برای بافت فرسوده و خانه های خرابه ای که برای نوسازی رها شده اند، ببینند... مشکل ۱۰ درصد از بافت فرسوده با طرح های سابق نوسازی بر طرف شده و یا ساخت و ساز ها و تخلیفات فراوانی صورت گرفته است. بسیاری از محلات در معرض آسیب فراوان هستند و خطرات زیادی آنها را تهدید می کند. شرایط بسیاری از کوچه ها از بافت فرسوده خارج شده و به مرحله ای از بافت ناپایدار رسیده که در صورت وقوع زلزله ای کوچک، تخریب خواهند شد.»

وی ادامه می دهد: «محله از نظر تمام سازه های راهی - خدماتی در فقر به سر می برد. استاندارد های زیادی نادیده گرفته شده و مشکلات مربوط به فعالیت ضایعاتی، با سد معبر، وانت بارها، دستفروشان و... محله را در معضلات زیادی غرق کرده است. متأسفانه اعضای شورایی و شخص بنده، به عنوان دلسوزان مردم، هر که کدام از مسئولان که وارد محله می شوند به تندی برخورد می کنند و تاحدی دعوایمان می شود که همیشه بعد از تمام بازدیدها، هیچ چیزی تفاوت نخواهد کرد. گرچه تمام بازدید کنندگان و مسئولان به اهالی و شوراییان حق می دهند که با داشتن چنین مشکلات پیچیده ای بر خود تند داشته باشند. اما انقدر به معضلات رسیدگی نشده که دیگر کارمان از توقع و انتظار گذشته و متأسفانه دلسر شده ایم.»



تفاوت بچه های

«پایین شهر» با «بالا شهر»!

کمبود فضای ورزشی مناسب برای تمام گروه های سنی یکی از بزرگترین مشکلات در محله است! اگر زمین مناسب برای تفریح یا ورزش بچه ها وجود داشته باشد، خاطره پیدا کردن سرنگ های کثیف در خرابه های محله هرگز در ذهن بچه ها تداعی نمی شود... «پسر من کنجکاو است... خودش هم حساس نشود، به هر حال یکی از دوستانتش دهنش را حساس می کند... همیشه سوال می پرسد که چرا سرنگ های خونی در خانه های مخروبه رها شده است. یا سوال می پرسد که چرا مردهایی که لباس هایشان پاره و کثیف است، در خیابان های ما می خوابند؟ کدامیک از بچه های مناطق بالای تهران، از این تصاویر در ذهنشان وجود دارد؟ توان مالی زندگی در بالا شهر را نداریم، اما وقتی بچه هایمان را می ببینیم که در این شرایط بزرگ می شوند، عذاب وجدان می گیریم از اینکه بایی بولی هایمان، بیچگی و کودکی اینها را خراب کرده ایم، گرچه خودمان هم در این شرایط و حتی بدتر بزرگ شده ایم.

«بزدانی» دبیر شورایی محله «مینایی» در ارتباط با فضای ورزشی محله می گوید: تنها ورزشگاه محله به نام شهید «بابا خانی» بسیار به استقبال بچه های بزرگش کمک کرده است، اما توان مالی خانواده ها در اندازه ای نیست که بتوانند شهره کلاس ها را بپردازند اما با اقدامات صورت گرفته، مدرسه فوتبال رایگانی برای بچه های بزرگوار می شود و در این ارتباط که باید اثری بچه های شیوه صحیح تخلیه، وقت هاستیم، اگر چه نسبت به برگزاری کلاس های رایگان مقاومت هایی وجود داشت اما این راه همچنان ادامه داده می شود و موقعیت های دیگر نیز در این راستا فراهم خواهد شد.



موش و کثیفی مخازن زباله

این فعال اجتماعی در ادامه با انتقاد از عدم رسیدگی به محله از نظر بهداشتی و زیست محیطی می گوید: «سالها سال است که معضل موش در جوی های آب را از طریق سامانه ۱۳۷ پیگیری کردیم اما تا زمانی که زیر ساخت های زیادی اصلاح نشود، هر چه قدر هم که پیگیری کنیم بی فایده است...»

دیگر بچه های محله و خانواده ها وجود موش را پذیرفته اند و متأسفانه اعتراضی هم نمی کنند. اما ساکت بودن آنها در این زمینه به معنای نبود معضل نیست، به محله از نظر نظافت رسیدگی نمی شود. به دلیل اینکه فضای محله و معابر برای جامایی مخازن زباله مناسب نبوده، کار تخلیه و شستشوی مخازن زباله درستی انجام نمی گیرد. در حالی که مخازن باید حداقل هفته ای یک بار شستشو شده و این کار در طول هفته انجام نمی شود. مشکلات فرهنگی نیز باعث شده تا اهالی هم چندان الزامی برای رعایت بهداشت محله نداشته و مشکلات چند برابر شود.

دبیر شورایی محله «مینایی» همچنین به یکی از فرصت های خوب محله اشاره کرده و تأکید می کند: در خیابان «تابکی» که در محدوده محله «مینایی» قرار دارد، جاممایی و راه اندازی بورس لوستر فروش ها در محله یکی از بهترین و خوش بمن ترین اتفاقاتی است که در محله رخ داده و امیدوار هستیم که به رونق کسب و کار در آن کمک شود. موقعیت این واحدهای تجاری اینچنان خوب است که از تمام محلات و مناطق دیگر تهران، برای خرید لوستر می آیند. کتافانه نصب دوربین توسط راهنمایی و رانندگی باعث شده که بسیاری از ماشین ها از آمدن یا توقف در محدوده لوستر فروشی خوددار کرده و کار و کاسبی مغازه هانیز کساد شود. اگر این دوربین ها برای حفظ امنیت یا ترافیک جامایی شده، لازم است در مورد آن اطلاع رسانی شود و به کار و کاسبی اهالی هم لطمه وارد نشود.



مدیریت‌مدیریتی

یکی از راهبردهایی که می‌تواند به کمک محاسبات بیاد و مشکلات و معضلات آنها را کم کند، راهبرد استراتژی توسعه شهری، بوده است

چگونگی تحقق شعار «تهران: امید، مشارکت و شکوفایی» در محلات شهر تهران

شهردار تهران در نخستین سخنرانی خود در شورای اسلامی شهر تهران برای تصدی مسئولیت شهرداری از شهری سخن گفت که همه شهروندان، از آن خود بدانند و از زیستن در آن احساس آرامش، نشاط و «امید» داشته باشند و در فرآیند اداره و بهبود امور شهری «مشارکت» می‌نمایند و با تقویت مناسبات، رفتارها و نهادهای مدنی، تحرک، توسعه و شکوفایی شهر و شهروندان در همه زمینه‌ها مسر خواهد شد و بدین ترتیب تفکری نو در ساختارهای اجرایی شهرداری تهران پدید آمد که سرآغاز تلاش‌هایی برای تحولات اجتماعی در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریتی محلات خواهد بود که پیش از این در قالب شورایی‌ها و سراهای محلات در مقیاس محله طی چهار دوره از فعالیت شورای اسلامی شهر تهران فراهم آمده و ابزار توسعه شهر تهران شده است.

برای همه کسانی که با مدیریت شهری ارتباط دارند چه در جایگاه متخصص، پژوهشگر و خبره شهری و چه در قالب مدیران و کارشناسان اجرایی حوزه شهر، محله بطن توسعه شهری است، ولی آنچه در سنوات گذشته علیرغم کوشش‌های انجام شده برای ورود به محلات و با وجود ابزارهای قانونی شاهد بودیم عدم تغییر و تحول در محلات تهران بوده است.

به نظر کارشناسان مسائل شهری و اجتماعی، توسعه بی‌رویه شهرهای بزرگ، چاره‌ای جز توجه به محله محوری و توانمندسازی محلات در اداره هر چه بهتر شهر به عنوان مکملی، برای ارتقای حقوق ساکنین آن برای طرح‌ها و برنامه‌ریزی شهری باقی نگذاشته است.

طرح انتقال اداره شهرها از منطقه محوری به ناحیه محوری و سپس محله محوری با تأکید بر تجربیات محلات سنتی، راه حلی معقول برای ارتقای کیفیت سکونت، رفع مشکلات در اداره شهرها و توسعه پایدارند که اکنون شرایط آن در تهران فراهم است.

یکی از راهبردهایی که می‌تواند به کمک محلات بیاد و مشکلات و معضلات آنها را کم کند، راهبرد «استراتژی توسعه شهری» بوده است.

این راهبرد، بر محله محوری و توانمندسازی آن تأکید میکند و باعث افزایش ظرفیتها و سرمایه‌های افسراد یا گروهها برای انتخاب میشود. در حقیقت این نوع توانمندسازی، یک نوع برنامه حل مسئله از درون بر پایه توسعه اجتماعات محلی است به نحوی که در این الگو ظرفیتهای محلی برای پاسخگویی به نیازهای مختلف در سطح محله شکوفا شده و تلاش میشود با ایجاد یکسری راهکارها و برنامه‌ها توسعه و شکوفایی محله را ایجاد یا افزایش دهد.

اما نکته‌ای که باید برنامه‌ریزان شهری به آن دقت کنند این است که تهران در سنوات گذشته با تراکم ناموزون جمعیت از یک طرف و تراکم زیاد ساخت و ساز از سوی دیگر مواجه شده است، بنابراین مناسبات و روابط اجتماعی در این شهر سرد و شکننده شده و در برخی محلات حتی کاهش سرمایه اجتماعی و ارتباطات مؤثر اجتماعی رخ داده است.

نتیجه این دلسردی کاهش همکاری و همیاری و نیز روابط اعتماد آمیز اجتماعی و در نتیجه افزایش غریبگی در تهران است که مجموعه این عوامل فضای بی‌روح را به وجود آورده و مانعی برای رشد و توسعه پایدار شهر تهران شده است که باید برای برطرف کردن آن فکراساسی کرد.

از طرفی آنچه در بیشتر نتایج تحقیقات بدست آمده و حتی کارشناسان اجرایی حوزه شهرداری به آن اذعان دارند، این است که محلات تهران با هم تفاوت ماهیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارند؛ بطوریکه در محله‌هایی که تراکم کمتری دارند، مناسبات و روابط اجتماعی در این شهر سرد و شکننده شده و در برخی محلات حتی کاهش سرمایه اجتماعی و ارتباطات مؤثر اجتماعی رخ داده است.

در رویکرد سنتی محلات ایران، هویت محلات با حضور افراد شاخص یا وجود اماکن خاص مشخص بوده است که اکنون نیاز به بازایی دارد. بطور مثال در گذشته محله به داشتن فردی خاص هویت داشته یا اماکن معتبر و مقدس به برخی محلات هویت می‌دادند که امروز محله‌های مدرن شهری فاقد این هویت بوده و در نتیجه احساس تعلق ساکنان به محله کاهش یافته است. از این رو نیاز است در بافت جدید محلات یا در محله‌های مدرن ابتدا با تعیین هویت محله حس تعلق ساکنان را افزایش داد تا بتوانیم به مشارکت آنها در برنامه‌های محلی امیدوار باشیم.

ادامه در صفحه ۱۳

دبیر شورایی محله «مظاهری» گفت: چنانچه زلزله کوچکی هم در تهران رخ دهد، باید دور تا دور محله «مظاهری» را خط کشیده و شاهد تخریب صد در صدی محله باشیم. «علی جعفری» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» با اشاره به معضلات مهم محله تأکید کرد: «محله مظاهری» از قدیمی ترین محلات تهران است که به جرات می‌توان گفت که ۹۰ درصد محله بافت فرسوده و بافت ریز دانه دارد؛ سال‌های سال است که چشم انتظار تحقق وعده‌های نوسازی این بافت از سوی مسئولان هستیم، اما جز احداث دفتر نوسازی، اقدام موثر دیگری انجام نشده است.

وی ادامه داد: تسهیلات تشویقی برای نوسازی بافت‌های فرسوده بسیار کم و بدون صرفه بوده و مردم با داشتن توان اقتصادی پایین، قدرت نوسازی یا بازسازی منازل را ندارند. از اعضای شورای شهر تهران و شهردار جدید می‌خواهیم که نوسازی بافت‌های فرسوده را جدی بگیرند و دایم خبر از وقوع زلزله احتمالی و بحران‌ها هشدار دهند و به جای آن به مردم خدمت‌رسانی کنند. بارها اعلام شده است که اگر زلزله کم قدرتی هم در تهران رخ دهد، محله «مظاهری» تلفات زیادی می‌دهد و به دلیل معیار بسیار کم عرض و بار یک، حتی نمی‌توان امداد رسانی کرد.



دبیر شورایی محله «مظاهری» با اشاره به آسیب‌های اجتماعی موجود در محله یاد آور شد: بافت فرسوده و قدیمی محله باعث شده که معاندان از «شوش» و دیگر محلات به «مظاهری» مهاجرت کنند و تنها فضای سبزه محله را هم اشغال و به باتوق تبدیل سازند. متأسفانه مردم و اهالی امکان تردد در پارک را نداشته و جرات این کار را ندارند. محله در فقر امکانات رفاهی بسیاری به سر می‌برد و مردم با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند.



وی اضافه کرد: محله «شوش» حداقل یک فضای ورزشی برای بچه‌ها دارد که البته گرچه بر اثر معضل است، اما محله «مظاهری» به زمین بازی، ورزشگاه و زمین چمن مجهز نبوده و هیچ امکاناتی ندارد؛ تنها الگوی بچه‌ها در محله معناداری هستند که در سر تاسر کوچه و خیابان جولان می‌دهند. وقتی امکانات فرهنگی-ورزشی و رفاهی در محله صفر باشد، جوانان و نوجوانان به سمت آنچه که می‌بینند گرایش می‌یابند... امکانات تهیه مواد مخدر هم در محله به‌سادگی امکان پذیر است و جوانان مادر خطر هستند.

نگرانی ساکنان محله فرسوده «مظاهری» از خانه‌های نایمن منطقه

اگر تهران بلرزد

کاهش فاصله شمال و جنوب فقط یک شعار بود

محله «مظاهری» از اعتیاد و فقر روی «شوش» را سفید کرد

نابودی صد درصدی محله «مظاهری» در صورت وقوع زلزله

کاهش فاصله شمال و جنوب فقط یک شعار بود

وی خطاب به شورای شهر تهران گفت: اعضای شورا فراموش نکنند که قبل از انتخابات و برای انجام فعالیت‌های تبلیغاتی به محله «مظاهری» آمده و از نزدیک با شهروندان صحبت کردند؛ وعده‌هایشان را فراموش نکنند و بدانند که مردم چشم انتظار هستند. اعضای شورا باز دید میدانی از محلات محروم را شروع کنند و در تحقق جدی شعار کاهش فاصله شمال و جنوب تهران تلاش کنند. دوره قبل به جز احداث اتوبان «امام علی» خروجی دیگری در این زمینه نداشته و اهالی جنوب شهر تهران جز این پروژه، متوجه نشدند که چه طور فاصله جنوب شهر و شمال شهر از بین رفت؛ مسئولان فقط شعار دادند و مادر عمل چیزی ندیدیم.



«جعفری» وجود سرای محله را بسیار موثر ارزیابی کرده و گفت: فعالترین سرای محله در تهران، سرای محله «مظاهری» است که خوشبختانه خروجی و عملکرد مؤثری داشته است. اما این سرای و مرکز با توجه به حجم تقاضا و نیاز محله بسیار کم بوده و نیازمند توسعه است؛ اهالی محل با توجه به شرایط اقتصادی با مناسب‌ترین به حرفه آموزشی و کار آفرینی دارند. این فعالیت اجتماعی با اشاره به کمیبود فضای آموزشی و مدرسه در محله تصریح کرد: محله نیاز به یک مدرسه ابتدایی مجهز است و مدرسه راهنمایی و دبیرستان ندارد. بسیاری از بچه‌ها فقط تا مقطع دبستان درس خوانده و از ادامه تحصیل باز مانده‌اند. محله زمین خالی زیادی دارد و می‌توان از این زمین‌ها برای خدمت‌رسانی به مردم استفاده کرد.

تهران

مشروکه‌های در آینده!

اگرچه گودبرداری‌های عظیم و غیر اصولی انجام شده در تهران و کلاشهرها می‌تواند یکی از عوامل فرونشست و آسیب‌ها به زمین باشد، اما یک استاد دانشگاه معتقد است افزایش ارزش افزوده زمین‌بی‌توجهی به اصول ساخت‌وساز، سلیقه‌های رفتار کردن در ساخت‌وساز و... می‌تواند تهران را در آینده‌ای نه چندان دور به متر و متر و کج تبدیل کند.

دکتر ابراهیم مقیمی در گفت‌وگو با ایسنا بیان اینکه بایستی سیاست‌های توسعه مسکن در راستای استفاده بهتر از زمین مشخص شود، زیرا می‌توان برخی کالاها را از جای به جای دیگر منتقل کرد اما ماهیت متغیر و غیر قابل انتقال است، گفت: در خصوص استفاده کالاهای که ثابت و غیر متغیرند با محدودیت روبه‌رو هستیم بنابراین در وقت زیادی در این زمینه لازم است که چگونگی و چه‌سازایی بر روی زمین بنا کنیم تا آسیب نبیند.

وی ادامه داد: در تهران به دلیل ساخت‌وسازهای غیر سیاست‌گذاری شده و غیرهدفمند آسیب‌های ناشی از اقدامات انجام شده به زمین کم‌نست و شاید بتوان گفت که هوا به دلیل ماهیت سیالیته که دارد می‌تواند آلودگی‌ها را جابه‌جا یا از بین ببرد اما در خصوص زمین اینگونه نیست: زمین نقطه پایدار هر اقدامی است و اگر به این مهم بی‌توجهی از هر اقدام نسنجیده یعنی از هرگونه بار برداری و بارگذاری غیر اصولی دوری خواهیم کرد.

رئیس دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران با اشاره به اینکه ابزار و تکنولوژی بار برداری از زمین و بارگذاری بر آن بسیار پیشرفت کرده است به طوری که در چند دهه گذشته در تهران این اقدامات با ابزارهای ساده‌تر انجام می‌شد، اظهار کرد: در تهران در چند دهه گذشته بیل‌های مکانیکی با بازوان سه‌متری یا حتی خاکبرداری وجود داشت و امروزه با پیشرفت تکنولوژی این بیل‌های مکانیکی دارای بازوهای بیش از بیست متری، مشغول حفز زمین هستند از طریقی امروزه ابزار آلات و ماشین‌های بسیار پیچیده‌ای نیز وجود دارند که بارگذاری را به سرعت و در زمان کمی انجام می‌دهند که در نهایت می‌توانیم شاهد حضور بلندمرتبه‌ها در تمام شهرهای ایران باشیم.



ساخت‌وساز و استفاده از زمین باید متناسب با توانمندی آن نقطه و محیط پیرامونی باشد

به چه میزان توانمندی‌های نقطه‌ای و پیرامونی زمین را به منظور بار برداری و بارگذاری بررسی کرده‌ایم؟

این استاد دانشگاه با بیان اینکه رشد ساخت‌وساز و استفاده از زمین بایستی متناسب با توانمندی آن نقطه و محیط پیرامونی زمین باشد، افزود: سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چقدر توانمندی‌های نقطه‌ای زمین را بررسی کرده‌ایم، همچنین موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد ارزش افزوده زمین است. در حقیقت ارزش افزوده زمین ما را به سمت بلندمرتبه‌سازی و تعمیق سازه‌ها یا بارگذاری سازه‌ها در عمق هدایت می‌کند.

وی افزود: سطوح ارتقاعی و عمقی هدف اصلی استفاده از زمین شده است. در حقیقت در گذشته در تهران بیشتر نگرش‌ها بر ساخت‌وسازهایی با دو طبقه ارتقاع بود اما اکنون این نگاه عوض شده است و ارزش افزوده زمین مسبب اصلی تغییر نگرش‌ها است. به عبارت دیگر با بررسی ارزش افزوده متوجه می‌شویم که در سال ۱۳۴۰ شمسی در تهران اگر قیمت زمین به طور میانگین متری پنج ریال بود امروزه به طور میانگین به متری ۱۰ میلیون تومان تبدیل شده است (یعنی بیست میلیون برابر)، این در حالی است که هیچ کالایی چنین تغییر و ارزش افزوده‌ای را نداشته است. در حقیقت ارزش افزوده زمین قابل مقایسه با هیچ کالایی نیست یعنی زمین را نمی‌توان با چیزی حتی با ارزش دلار و طلا مقایسه کرد.

مقیمی ارزش افزوده زمین و سیاست‌های نادرست استفاده از فضای شهری را مسبب حرکت ارتقاعی و عمقی دانست و گفت: سوال مطرح

فرونشست در تهران چند عاملی است

رئیس دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران با بیان اینکه فرونشست در تهران عوامل متعددی دارد، گفت: به طور کلی سه نوع فرونشست پیوسته، منطقه‌ای و نقطه‌ای در تهران وجود دارد. در خصوص فرونشست پیوسته می‌توان گفت: تهران سالی چند میلیمتر فرونشست پیوسته دارد. علاوه بر این نشست پیوسته، نشست منطقه‌ای نیز وجود دارد به طوری که یک منطقه نسبت به سایر مناطق فضای نشست بیشتری می‌کند. همچنین در تهران نیز گاهی شاهد نشست‌های نقطه‌ای هستیم که گاهی به علت کور یا مسدود شدن قنات و یا ترکیدگی لوله که منجر به تجمع آب و پارفتگی خاک می‌شود و چون روی آن آسفالت قرار دارد، دیده نمی‌شود و زمین به طور ناگهانی فرو می‌ریزد.

وی در ادامه افزود: بیان این مسائل منحصر مبروط به مراکز آکادمیک نیست. قوای مجریه، قضاییه و مقننه بایستی به این موضوعات ورود پیدا کنند و شهرهای ایران را نجات دهند. در حقیقت بسیاری از پرونده‌هایی که در مراکز قضایی مطرح شده است به دلیل دعوای ناشی از همین ارزش افزوده ایجاد شده است و با تغییر کاربری زمین و تجاری کردن و بلندمرتبه‌سازی و ارزش افزوده ایجاد کرده‌ایم. اگر در آمد ما خدشده از تراکم فروشی را صرف هزینه پایدار زمین کنیم و آن زمان نیز زمین حرکت‌های خود را آغاز کند، این درآمدها کافی نخواهد بود. آن وقت باید بخش زیادی از درآمد حاصل از نفت را صرف پایدارسازی وضعی زمین کنیم و این یعنی بخش کثیری از بودجه کل کشور. به عبارت دیگر اگر ارزش افزوده مهار نشود و مراقبت محیطی و نوآوری در باز توسعه مناطق شهری بزرگ اتفاق نیفتد، پیامدهای ناگوار خواهد داشت.

متر و کج شدن زمین در نتیجه بی توجهی به آن

مقیمی یاد آور شد: همان اندازه که بی توجهی به هوا خطرناک است بی توجه بودن به زمین نیز خطرناک دارد. بنابراین این سوال در اینجا مطرح می‌شود که چقدر آید نه چندان دور زمین شهری را تبدیل به یک متر و کج زمین‌های قهوه‌ای یا زمین‌های مساله‌دار کنیم؟

وی با بیان اینکه بارگذاری و باربرداری‌های انجام شده در کشور نقطه‌ای ناپایدار و غیر اصولی است، اظهار کرد: اینکه یک گامال در کنار بخش شهری با کاربری مسکونی قرار می‌گیرد خطرناک است. در حقیقت نباید این رو به ساخت و ساز را پیش‌فکریم زیرا تراکم‌سازی مخاطرات را افزایش می‌دهد. در حقیقت می‌توانیم از فضاهای باز استفاده کنیم و گامال‌ها را در آن فضاها گسترش دهیم. به عبارت دیگر بایستی ساز و کار ساخت و ساز و صدور پروانه به این شکل برای گامال‌ها و تجاری‌ها متوقف شود.

شهرهای ایران گول تهران را نخورند

به گفته وی، شیوه‌های کاربست پیش‌رو، جمعیت را به سمت پر نگاه هدایت می‌کند و متناسفانه رویه‌های نادرستی که در تهران در حال پیاده شدن است، نمونه و الگوی شهرهای دیگر شده است. در صورتی که باید هر شهری اصول خودش را داشته و نباید اساس ساخت و ساز در همه شهرها مشابه تهران باشد و دیگر شهرهای ایران نباید گول تهران را بخورند. این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه تهران آسیب دیده است و باید هزینه بسیاری برای رفع آسیب‌ها انجام شود، اظهار کرد: شهرسازان و معماران بایستی تفکر کرده و ایده‌های جدیدی متناسب با منطقه خود ارائه دهند. در حقیقت نباید جمعیت رو به رشد را محکوم کنیم بلکه باید به این موضوع فکر کنیم که چه تدابیری برای سامان دهی جمعیت اندیشیده شده است و بخش عظیمی از جمعیت تهران که اکثرا مهاجران هستند به دلیل ارزش افزوده زمین به تهران آمده‌اند.



توجه به پایداری زمین اهمیت بالایی دارد

این متخصص ژئومورفولوژی اظهار کرد: باید به پایداری زمین به عنوان یک فاکتور مهم نگاه کرد و بر نامه بلند مدت و آیدینگند وجود داشته باشد زیرا راهکار مقطعی برای این مواقع وجود ندارد. برای مثال امروزه آلودگی تهران پیوسته شده است در حالی که در گذشته این آلودگی در چند نقطه متمرکز نبود و در آینده نیز ممکن است بر روی زمین به دنبال نقاطی با ناپایداری کمتر باشیم که این امر بسیار خطرناک است و هزینه بسیاری دارد. بنابراین زمانی که ایده‌ها، نگرش‌ها و سیاست‌ها اصلاح نشود اقدامات بی‌فایده خواهد بود.

مقیمی در پایان صحبت‌هایش اضافه کرد: اگر به این زمینه‌ها توجه نکنیم ناچاریم در آینده هزینه‌های زیادی پرداخت کنیم و با وجود منابع نفتی محدود ایران به سمت فقیر بیشتر حرکت خواهیم کرد. اگرچه در ظاهر نوسازی اتفاق افتاده است اما عملی‌تر و رو به عبارت دیگر دچار فقر مدرن می‌شویم. به عبارت دیگر فقر مدرن فقری است که به خود-معیشتی مردم مربوط نمی‌شود بلکه حاصل سیاست‌های غلط قانونی شده است.

ادامه از صفحه ۱۳

چگونگی تحقق شعار «تهران: امید، مشارکت و شکوفایی» در محلات شهر تهران

در نظر گیری بافت اجتماعی - فرهنگی محلات در پهنه بندی ها، قوانین کاربری زمین، مقررات ساختمانی، افزایش تعلق خاطر ساکنین به محل سکونت توسط سیاست‌هایی چون کنترل اجاره بها، اشتغال، دسترسی به تسهیلات مناسب برای کودکان و سالخورده‌گان، اعطای حق و توبه ساکنین محله در مورد پروژه‌هایی که مستقیماً زندگی روزمره و حق اجتماعی ساکنین را تحت تأثیر قرار میدهد؛ احیای انجمن‌های داوطلبانه بر پایه مشارکت ساکنین محله به منظور حل و فصل اختلافات و همکاری در امور که موجب ارتقا رفاه زیستی ساکنین محله شود (کجک به خانوارها در یافتن مسکن مناسب، کمک به جوانان در اشتغال، آموزش و غیره) از جمله پیشنه‌های است که متخصان حوزه شهری برای ایجاد هویت محلات و افزایش مشارکت شهروندان در حوزه شهری ارائه داده‌اند.

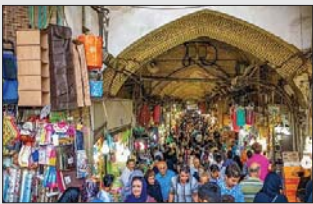
برای تحقق آنچه شهردار محترم تهران در برنامه پیش بینی شده مدیران خود آورده است، آنچه گفته شد فطره‌ای از دریای فعالیت‌های انجام شده متخصان و مدیران حوزه شهری است. تردیدی وجود ندارد که نوشتن درباره این موضوع تمامی می‌تواند افکار عمومی را برای پذیرش این نگرش آماده کند و امیدوار بود که متخصان و مدیران حوزه شهری آن را در سرلوحه کارهای خود قرار بدهند. حال که آمادگی برای ایجاد شهری با امید، مشارکت و شکوفایی وجود دارد، می‌تواند تا مدیران و کارشناسان متخص شهری دوباره هر گم راه آمده و فرصت این دوره مدیریت شهری تهران را غنیمت شمرده و ابزارها و قوانین حاضر را مرور کرده تا برنامه‌ای مطلوب و کارآمد برای محلات پیش‌بینی کنند و بنیان‌های اساسی برای محلات پایتخت ایران اسلامی فراهم آورند. همچنین با توجه به آنکه در سنوات گذشته متخصان حوزه شهری همایش‌ها و گردمهای متعددی برای شناخت چالش‌های پیش‌روی مدیریت شهری و نیز موانع مشارکت شهروندان را برگزار کرده‌اند لازم است آنها را مجدداً گردآوری کرده و از نتایج آن بهره مند شوند تا از دوباره خرابی و نگرده‌اسراف بیت‌العمال جلوگیری شود.

مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵

شهردار منطقه ۱۲ خبر داد:

«پارلمان بازار»

ابتکار شهرداری قلب طهران



گروه مناطق: شهردار منطقه ۱۲ تهران از شکل گیری پارلمان بازار به عنوان ابتکاری از مدیریت شهری این منطقه خبر داد. به گزارش شهرنوشت و به نقل روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۲ تهران، پیمان حسین محسنی شهردار قلب طهران با اعلام این خبر گفت: مدیریت شهری این منطقه با درک اهمیت بازار تهران بعنوان کالبد روح بخش و نبض حیاتی زندگی شهری و توجه به این نکته که بازار آلمان‌نژاد به مدیریت متغیر و محلی در اداره و تعامل با مدیریت شهری دارد، در دوره جدید وارد فضائی کشفگرانه با این بدنه راهبردی شهر شده است.

شهردار قلب طهران در حاشیه‌امضای تفاهم‌نامه‌ی انتقال تولیدی‌های پوبساک در منطقه ۱۲ به شرکت‌های صنعتی پیش‌بینی شده با هیئت امنا بازار تهران گفت: ایده پارلمان بازار، علاوه بر ارتقاء سرمایه اجتماعی در درون، منجر به افزایش خدمات متناسب با توان و انتظارات طرفین به جهت بهبود و ارتقاء کیفیت فعالیت‌های این کالبد زنده خواهد شد.

وی ادامه داد: پارلمان بازار متشکل از نمایندگان اصناف و هیئت امنا بازار تهران، در کنار دستنه‌های اجرایی و مدیریتی مرتبط بوده که به اتخاذ تصمیمات مشترک می‌پردازند. پیمان حسین محسنی در پایان اسرژام‌امیدواری کرد که مشکلات مرتبط به مدیریت شهری به زودی و یکی پس از دیگری حل و فصل شود.



نه بوی مهر می شنویم از تو...

«محلہ سیروس» در حاشیه حصار صوفی قدیم، همان محلہ «چال میدان» است که امروز فقط بر داشتی ذهنی از آن در ادبیات و فرهنگ ما باقی مانده است. محله‌ای پشت حصار تاریخی شهر که یکی از دروازه‌های ورودی شهر نیز در آن واقع شده و مسیر بازار چه نانی‌السلطنه از اولین مسیرهای رسیدن بازار و هسته تاریخی شهر بوده است. اما واقعیت امروز این محلہ هیچ به این تصویر فرهنگی و تاریخی نزدیک نیست. گویا همان تصویر ذهنی از چال میدان سبب شدگان چشم‌مدیران افتاده باشند.

محمودیت از یک‌پایان اولیه فضا، یکی از زیرساخت‌های نازک‌ترین و اولیه‌بافت‌های شهری است، که محلہ «سیروس» از آن محروم است. دفع فاضلاب امروزه در این محلہ همچنان از طریق چاه‌های جذبی و کانال‌های روباز معابر است. این عقب‌افتادگی تأسیسات شهری امروز صورت محلہ را به وضعیت نامطلوبی تبدیل کرده است. از کمتر کوچ‌های گندنی می‌توان عبور کرد و از بوی بد فاضلاب نیز نباید در این حال است که در روال اداری و رسمی، هزینه تجهیز محلہ به فاضلاب از سکان و اهالی محلہ در یافت شده. اما هنوز اقدامی صورت نگرفته است. این محلہ که در محدوده بافت‌های فرسوده شهر تهران نیز قرار گرفته، نظریه ارائه مدیریت شهری برای ارتقاء وضعیت بافت نیسان مبرمی به این تأسیسات شهری دارد. چرا که خروج محلہ از فرسودگی و نوسازی تنها محدود به نوسازی منازل و ابنیه آن نمی‌شود، بلکه یکی از عوامل برای ورود ساکنان به روند ساخت و ساز است. بماند که این پست‌تر از نداشتن اولیه‌های زندگی شهری نیز می‌تواند برسد.

محله‌ای با پتانسیل‌های بسیار به تمام این ماجرا باید افزود در گرفتن این محلہ در محدوده «حصار ناصری» را، که اصلی‌ترین بخش هسته تاریخی شهر تهران است. جایی با مجموعه‌ای از پتانسیل‌های تاریخی، فرهنگی و گردشگری که ما نه تنها آنها را به امان خارها کرده‌ایم و استفاده‌ای از آنها نمی‌کنیم، بلکه روند اقداماتمان به سمت نابودی آنها هم پیش می‌رود. وجود حمام‌های تاریخی بسیار، خانه‌های ارزشمند که هم از لحاظ سبک معماری و هم از لحاظ رویدادهای تاریخی و فرهنگی حافظ ارزش هستند، مسیرهای تاریخی، نقاط کانونی مهم و جوارها و سردرهای ارزشمند قدیمی در این محلہ، همه ظرفیت‌های بسیاری برای توسعه گردشگری و ایجاد اتفاقات فرهنگی و حتی اقتصادی مهم محلہ «سیروس» هستند که مغفول مانده‌اند. خانه ای‌تالله کاشانی، دروازه دولاک به سمت از دروازه‌های اصلی شهر تهران صوفی، حمام‌های حاج موسی، مولوی، گلشن و قبله، بازارچه نانی‌السلطنه و چند سباط که شاید از تعداد انگشت‌شمار باقی‌مانده از بافت سنتی شهر تهران هستند تنها گوشه‌ای از ارزش‌های تاریخی این محلہ اند که بر شمردن آنها از مجال موضوع این نوشتار خارج است. حال در کنار همه این ارزش‌ها و زیبایی‌ها باید تجسم کرد بوی دامن‌ت تعفن فاضلاب شهری، آب‌های کثیف جاری در جوی‌ها و آشفته‌های روان در این آب‌ها...

چشم‌پره‌ها... دفتر خدمات نوسازی محلہ بازار سیروس به واسطه انجام اموریت سازمانی خود در جهت ارتقاء کیفی محلہ با نیت بسیاری از این موضوع درگیر بوده و هست. آلودگی و مشکلات بهداشتی ناشی از جریان فاضلاب در سطح محلہ که خود ناقل بیماری‌ها و مضرات زیست‌محیطی است، از جمله این نیت‌هاست. زدن چاه‌های جذبی در منازل آسیب دیگری است که تخریب آنها، آسیب‌رسانی به همسایه‌ها و تکمیل ظرفیت مله برای چاه‌های بیشتر را به دنبال داشته است. همه این مسائل، امروز مشکل اول این محلہ از ریزان بسیاری از اهالی همین موضوع «فاضلاب» کرده است.

امروز چشم امید اهالی سیروس به مدیران شهری است، برای این کمترین نیاز و حق شهروندیشان، چشم‌امیدی که کورسوی امیدش را رهسور بوی بدی که در این نیت‌هاست، زدن چاه‌های جذبی چال میدان، بوی مزاج با مسئولان نمی‌شود، حال آن که جز امید چاره‌ای ندارد.

نه بوی مهر می شنویم از تو ای عجب نه روی آن که مهر دگر کس بیوریم... (سعدی)

جذبات لایحه تأمین امنیت زنان؛

جرم انگاری‌های جدید علیه مردان

در لایحه جامع تأمین امنیت زنان در برابر خشونت برای اولین بار خشونت علیه زنان در قالب حقوقی تعریف شده است و در این رابطه جرم انگاری‌های جدیدی مطرح می‌شود. خیرگساری مهر - گروه جامعه - مه‌پدیه - مهدی: آمارها نشان می‌دهد ۱۲ هزار و ۳۷۰ مورد همسر آزاری در سال گذشته به اورژانس اجتماعی گزارش شده است که تنها بیش از ۲۰۰۰ مورد از این تعداد، به مراکز مداخله در بحران مراجعه کرده بودند و بیش از ۳۰۰۰ مورد خدمات بسیار دریافت کردند و ۸۲۰۰ مورد با خط ۱۲۳ تماس گرفتند، از سوی طبق آمار پزشکی قانونی تنها تعدادی از این موارد به پزشکی قانونی اعلام می‌شود به طوری که در سال گذشته در تهران ۹۵۰۰ مورد ادعای همسر آزاری در مراکز پزشکی قانونی استان ثبت شده است.

طبق آمار، در صد بالای آن قتل‌ها مربوط به قتل‌های خانوادگی و اغلب میان زوجین بوده است. اگرچه مدتی است موضوع حقوق زنان در رسانه‌ها و مکاتبات دانشجویی مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز بحث خشونت و تأمین امنیت زنان به ویژه موضوع خشونت خانگی مورد تأمل بسیاری از حقوق‌دانان و قانون‌گذاران است. به همین منظور لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که در دولت قبلی بررسی‌های متعددی در رابطه با آن انجام شد، در این دولت و با همکاری نهاد‌های مختلف از جمله قوه قضائیه قرار است به سرانجام برسد. به همین منظور در روز جهانی منع خشونت علیه زنان آخرین وضعیت این لایحه را بررسی کردیم.

۲۰ جرم جدید در لایحه تأمین امنیت زنان

دکتر ذبیح‌الله خدائیان، معاون حقوقی قوه قضائیه در خصوص لایحه جامع تأمین امنیت زنان در برابر خشونت ضمن تأکید بر لزوم نظیر کودکان، نوجوانان و بانوان در خصوص آسیب‌ها و انتقادات وارده به این لایحه گفت: آسیب اساسی که این لایحه با آن روبرو است، جرم انگاری وسیع آن است، به گونه‌ای که برخی موارد آن به طور متوسط بیش از ۲۰ جرم جدید را جرم انگاری کرده است. از آنجا که اصطلاحات و واژه‌ها در مواد مختلف این لایحه چندین‌باره تفسیر و برداشته شده‌اند، لذا مصادیق آن بسیار زیاد است؛ به عنوان مثال از ده اصطلاح «خشونت روانی» می‌توان بیش از ۵۰۰ عنوان مجرمانه استخراج کرد.

آمارها نشان می‌دهد ۱۲ هزار و ۳۷۰ مورد همسر آزاری در سال گذشته به اورژانس اجتماعی گزارش شده است که از این تعداد تنها بیش از ۲۰۰۰ مورد به مراکز مداخله در بحران مراجعه کرده بودند خدائیان با اظهار این که تا کنون در نظام حقوقی با لایحه‌ای با این حجم و وسع از جرم انگاری روبرو نبوده ایم، گفت: در حقوق جزا و جرم انگاری آنچه که به عنوان یک تکیه‌ی حائز اهمیت به آن توجه می‌شود ضرورت استفاده از کلمات و اصطلاحات صریح و دارای حدود روشن و مشخص است به این معنا که کلمات نباید به راحتی مورد تفسیر واقع شوند. چالشی که در این لایحه به طور گسترده با آن مواجه هستیم تفسیر پر از بون پیش‌بینی از اصطلاحات آن است، مسأله‌ای که دست قاضی را برای تفسیر قانون پر رفتارهای مختلف باز می‌گذارد.

این مقام قضایی در ادامه به تشریح ایرادات شکلی و ماهوی لایحه پرداخته و گفت: در برخی مواد با اصطلاحاتی از قبیل: «بروز و آسیب جدی روانی» مواجه هستیم؛ اما معنا و معیاری برای تشخیص این آسیب تعیین نشده است. همچنین در تعریف خشونت روانی گفته شده است: «خشونت روانی هر رفتاری که به شخصیت، عواطف، احساس امنیت و غیره آسیب برساند»، و برای آن مصادیقی مانند

توهین ذکر شده است؛ هر چند «توهین» در حال حاضر جرم محسوب می‌شود، اما برخی دیگر از مصادیق این تعریف تا کنون جرم انگاری نشده و البته در این لایحه نیز تعریف مشخص، معین و محدودی از آن ارائه نشده است، مانند: «تحت نظر گرفتن جرم است»؛ که با توجه به اینکه عمل «تحت نظر گرفتن»، تعریف و تحدید نشده است؛ این امر می‌تواند بحث امنیت اعضای خانواده و حفظ و صیانت از خانواده را به چالش بکشد.

توجه به خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در لایحه تأمین امنیت زنان

قاضی محمدعلی اسفغانی نیز در خصوص لایحه تأمین امنیت زنان که در راستای منع خشونت خانگی علیه زنان است در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: موضوع خشونت علیه زنان در این لایحه دیده نشده است و برای اولین بار قرار است در این لایحه تعریفی از خشونت ارائه شود.

وی با بیان اینکه انواع خشونت در این لایحه لحاظ شده است، گفت: در این لایحه انواع خشونت از جمله خشونت جسمی، جنسی، روانی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت لحاظ شده است. در حال حاضر مباحث مختلفی در این لایحه مطرح شده و تعاریف متعددی نیز ارائه شده است.

این نماینده وزارت دادگستری در کمیته بررسی لایحه ممنوعیت خشونت علیه زنان اظهار داشت: مجموعه توانمندان کارشناسی از دولت، قوه قضائیه، سمن‌ها، کانون و کلای دادگستری و همچنین وزارت دادگستری در حال تدوین و گفتگو پیرامون این لایحه هستند.

اسفغانی در پاسخ به این سوال که قوه قضائیه انتقاداتی را نسبت به افزایش جرم انگاری در این لایحه داشته است، با توجه به اینکه در حال حاضر عناوین مجرمانه در کشور بسیار است آیا این لایحه انواع جدید مجرمانه را در بردارد یا خیر، گفت: اگر چه قوه قضائیه عضو بررسی‌کننده این لایحه است و در حال حاضر این لایحه در دستگاه قضا و در معاونت حقوقی در حال نقد و بررسی است اما قوه قضائیه نگرانی‌هایی را نیز در رابطه با جرم انگاری و افزایش عناوین مجرمانه دارد که ما به این نگرانی‌ها توجه لازم را خواهیم داشت.

مزامحت در معابر عمومی تنها مصداق خشونت علیه زنان در قانون فعلی

وی افزود: طبیعتاً وقتی لایحه‌ای در این مقطر و حد و اندازه فعلی تدوین می‌شود یکسری واقعیت‌ها در آن لحاظ خواهد شد. در حال حاضر میخی تحت عنوان خشونت علیه زنان را تنها در لایحه تأمین امنیت زنان، انواع خشونت از جمله خشونت جسمی، جنسی، روانی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت لحاظ شده است. در حال حاضر مباحث مختلفی در این لایحه مطرح شده و تعاریف متعددی نیز ارائه شده است. در ماده در قانون مجازات اسلامی داریم که در آن آمده است: اگر کسی که جمع بندی در سیم تا نگرانی‌های قوه قضائیه نیز رفع شود.

این قاضی دیوان عالی در پاسخ به این سوال که پیش‌تر سقف مجازات برای مردانی که مرتکب خشونت علیه زنان می‌شوند چیست

و آیا جرم به تعدی و یا انواع مجازات در آن دیده شده است، گفت: موضوع مجازات یک بحث متفاوت است، به عنوان مثال در بحث خشونت جسمی یک وقت می‌بینیم که منظور تجاوز است که در قانون مشخص است و حتی تا مجازات اعدام نیز طبق قانون لحاظ شده است.

مجازات‌های درجه ۳ و ۴ در انتظار مردان خشون

معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری افزود: اما یک وقت می‌بینیم موضوع تجاوز است اما نه آن معنا که در قانون و با لفظ موقفه به اجبار ذکر شده است. در این مورد مجازات اعدام را در نظر گرفته است و مجازات اعدام در حد مجازات درجه چهار و در برخی موارد درجه سه دیده شود.

این نماینده وزارت دادگستری در کمیته بررسی لایحه ممنوعیت خشونت علیه زنان ضربه و جرح قرار گرفته اثبات این قضیه سخت است چون شاهد و مدعی وجود ندارد. در اینجا مجازات از نوع مجازات درجه چهار است و در برخی مواقع درجه سه است که ۱۰ تا ۱۵ سال حبس را شامل می‌شود.



این موضوع سخت است. وی افزود: یکسری قیاس در کل قابل اثبات نیست مگر اینکه شرایطی را ببینیم که این مسائل را جبران کند. به عنوان مثال در رابطه با حد اخلاقی مرد و بد اخلاقی وی که می‌تواند منجر به خشونت خانگی شود موارد و تبصره‌هایی دیده شود که به عنوان مثال زن بتواند مدتی را جدا از همسر خود زندگی کند. وی در پاسخ به این سوال که لایحه منع خشونت علیه زنان کی به سرانجام می‌رسد، اظهار داشت: قرار است این لایحه در حال حاضر در قوه قضائیه مطرح است طرف روزهای اخیر به سرانجام برسد و بعد در دولت مطرح و سپس رویه‌های تصویب قانونی را طی کند. اگرچه در لایحه مذکور عناوینی چون «کنترل نامتعرف و مکرر» و «مناقشات مکرر» و «هر گونه محدودیت در آزادی از اراده نسبت به تمامیت جسمانی، سلامت از دواج و نظایر آن» که بر اساس رسوم و سنت‌های نامادله صورت می‌گیرد» آمده است اما بسیاری از مصادیق و موارد مربوط به قوه قضائیه نیز در این لایحه دیده شده است. وزیر دادگستری در پاسخ به این سوال که در برگیرنده حبس بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال، جزای نقدی بیش از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال و همچنین جزای نقدی بیش از ۱۸۰ میلیون ریال تا ۳۶۰ میلیون ریال است که مجازات درجه ۶ در این لایحه دیده شده است. اعمال می‌شود که در است‌نامی این مجازات‌ها در حالی که است که در قوه قضائیه نیز مجرمانه‌ای به عنوان فعلی اضافه می‌شود که اثبات آن سخت است، بلکه در عین حال مصداق‌های خشونت در استان‌های مختلف، متفاوت است که این موضوع نیز باید در لایحه لحاظ شود.

با تخفیف ۵۰٪

همین حالا مشترک شوید!



eshterak.ir

طرح اشتراک نشریات



مدیر اجرایی: عبدا... سالاری اسکر
مدیر هنری: گلنوش مریخی
چاپ: سلام
توزیع: صمت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
سرپرست: عابدین سالاری اسکر
مدیر تحریریه: سیمیه جاهد عطائیان

جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

دارندگان کارتهای هدیه
خرید و فروش سهام در شعب
ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکنش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

ازدواج تولد

کسب اطلاعات بیشتر
@sarmayebank | sarmayebank | www.sbank.ir

ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۵. تمامی هموطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی ازدواج کرده اند (بدون محدودیت سال)
۶. تمامی هموطنانی که تاریخ تولد آنها از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی باشد (بدون محدودیت سال)
شایان ذکر است هریک از موضوعات قرعه کشی ۱۲ برنده خواهد داشت که در هر ماه مجموعاً ۷۲ نفر، برنده خوش شانس این قرعه کشی خواهند بود. گفتمی است به هر یک از برندگان قرعه کشی یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی اهدا خواهد شد. لازم به ذکر است هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه کشی می بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، نام استان، نام شهر، شماره ملی و شماره موبایل) اقدام نمایند و در صورت برنده شدن در قرعه کشی، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده شده به شعبه مربوطه مراجعه نمایند. همچنین هموطنان علاقه مند به شرکت در بنده های ۵ و ۶ قرعه کشی

(ازدواج و تولد) می توانند با مراجعه به کانال اینستاگرامی بانک به نشانی www.instagram.com/banksarmaye اطلاعات مربوط به تاریخ عقد و یا تاریخ تولد خود را به همراه سایر اطلاعات درخواستی بارگزاری نمایند.
همچنین برای حضور در بنده های ۳، ۴ و ۵ قرعه کشی نیازی به ثبت نام در سامانه نبوده و اطلاعات مورد نیاز مشتریان به صورت خودکار از واحدهای مربوطه جهت قرعه کشی دریافت خواهد شد.
شایان ذکر است قرعه کشی های تناوب در دوازدهم هر ماه برگزار می گردد که دومین مرحله قرعه کشی انجام شده و اسامی برندگان مرحله دوم جشنواره به زودی در وبسایت بانک سرمایه منتشر خواهد شد. گفتمی است سومین مرحله قرعه کشی ۱۲ آذرماه بوده و هموطنان و مشتریان برای شرکت در سومین مرحله قرعه کشی می توانند از ۱۲ آبان ماه نسبت به ثبت اطلاعات خود در سامانه های مربوطه اقدام نمایند. لازم به ذکر است اسامی برندگان از طریق وبسایت بانک سرمایه به اطلاع عموم مشتریان ارجحند خواهد رسید.

بانک سرمایه در ماههای منتهی به دوازدهمین سالگرد تاسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشی ها و جوایز متعدد برگزار می کند. قرعه کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشی در دوازدهم هر ماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:
۱. تمامی هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم

بانک سرمایه در ماههای منتهی به دوازدهمین سالگرد تاسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشی ها و جوایز متعدد برگزار می کند. قرعه کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشی در دوازدهم هر ماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:
۱. تمامی هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم